


Pathology of The Currency Market Management Mechanisms by the Central Bank of the Islamic Republic of Iran in Currency crises, Emphasizing on the 2018 Currency Crisis

Mohammad Qezelbash

Financial Engineering, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (Corresponding author).


m.qezelbash75@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

MohammadAli Zamani

Financial Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

m.a.zamani1374@gmail.com

 0000-0002-9515-5325

Abstract

The exchange rate is recognized as one of the main variables in the economies of less developed countries, which is a key relative price in the economy and its changes are affected not only by trade flows and balance of payments, but also by the structure and the level of production, consumption, employment and resource allocation. Over the past four decades, the Iranian economy has experienced four currency crises, the last of which was the currency crisis in 2018. Examining the causes and factors of the currency crisis shows that domestic factors such as macroeconomic policies, the economic structure of the country and the degree of independence of the central bank, as well as external factors such as the international economic environment and various sanctions and threats can lead to currency crises.


The present study, with the pathology of foreign exchange market management mechanisms, the role of the central bank in dealing with foreign exchange crises has been discussed. In this research, by using 55 research sources by interviewing the country's foreign exchange experts and studying books, articles, reports related to the harms to foreign exchange market management mechanisms was extracted, coded and have been classified to 5 themes and analyzed using the content analysis method. This research shows problems and damages caused by the structure of the foreign exchange market, lack of some tools or weaknesses in the tools used in the Iranian foreign exchange system and lack of the independence and passivity of foreign exchange policymakers towards dynamic foreign exchange management have led to the inefficiency of foreign exchange market management policies.

Keywords: Currency System, Currency Crisis, Currency Market Management, Currency Management Mechanisms, Central Bank.


JEL Classification: O24, F31, E58

آسیب‌شناسی سازوکارهای مدیریت ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در بحران‌های ارزی با تأکید بر بحران ارزی سال ۱۳۹۷

محمد قزلباش

دکتری مهندسی مالی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
m.qzelbash75@gmail.com  0000-0000-0000-0000

محمدعلی زمانی

کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
m.a.zamani1374@gmail.com  0000-0002-9515-5325

چکیده

نرخ ارز به‌عنوان یکی از متغیرهای اصلی در اقتصاد کشورهای کمتر توسعه‌یافته شناخته می‌شود که یک قیمت نسبی کلیدی در اقتصاد محسوب شده و تغییرهای آن نه‌تنها بر جریان‌های تجاری و موازنه پرداخت‌ها بلکه بر ساختار و سطح تولید، مصرف، اشتغال و تخصیص منابع اثر می‌گذارد. طی چهار دهه گذشته، اقتصاد ایران چهار بحران ارزی را تجربه کرده است که بحران ارزی سال ۱۳۹۷ آخرین آنها بوده است. بررسی علل و عوامل وقوع بحران ارزی نشان می‌دهد که عوامل داخلی از جمله سیاست‌های کلان اقتصادی، ساختار اقتصادی کشور و میزان استقلال بانک مرکزی و همچنین عوامل خارجی مانند محیط اقتصاد بین‌الملل و انواع تحریم‌ها و تهدیدهای اقتصادی می‌توانند موجب بروز بحران‌های ارزی شوند. بررسی سیاست‌های مدیریت ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که سیاست‌های این نهاد قادر به کنترل اثرهای وقوع بحران ارزی بر اقتصاد ایران نبوده است. در مطالعه حاضر با آسیب‌شناسی سازوکارهای مدیریت بازار ارز، به نقش بانک مرکزی در مواجهه با بحران‌های ارزی پرداخته شده است. در این پژوهش با استفاده از ۵۵ منبع تحقیق با روش مصاحبه با خبرگان ارزی کشور و مطالعه کتب، مقاله‌ها، گزارش‌ها و تارنماهای معتبر، اطلاعات مربوط به آسیب‌های وارده بر سازوکارهای مدیریت بازار ارز استخراج و ذیل ۵ مضمون سازمان‌دهنده، کدگذاری و طبقه‌بندی شده و با استفاده از روش تحلیل مضمون، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد، مشکلات و آسیب‌های ناشی از ساختار بازار ارز، فقدان یا ضعف برخی از راهبردهای ضروری کنشگر در مدیریت بازار ارز، فقدان برخی ابزارها یا ضعف‌های موجود در ابزارهای مورد استفاده در نظام ارزی

ایران و عدم استقلال و انفعال سیاست‌گذار ارزی نسبت به مدیریت پویای ارزی سبب ناکارایی سیاست‌های مدیریت ارزی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: نظام ارزی، بحران ارزی، مدیریت بازار ارز، سازوکارهای مدیریت ارزی، بانک مرکزی.
طبقه‌بندی JEL: O24, F31, E58

شاپای الکترونیک: ۶۵۶۸-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی

CC BY 4.0



doi 10.22034/ES.2023.338702.1575

مقدمه و بیان مسئله

نرخ ارز به‌عنوان یکی از متغیرهای اصلی سیاست‌گذاری در اقتصاد کشورها علاوه بر اثرگذاری قابل‌ملاحظه بر تصمیم‌گیری عوامل اقتصادی و سرمایه‌گذاران بر سیاست‌های مالی دولت نیز بسیار مؤثر است (مهرآرا، ۱۳۸۵). در ایران طی سالیان متمادی مهم‌ترین منبع بودجه دولت درآمدهای حاصل از صادرات نفت بوده است؛ بنابراین پیش‌بینی درآمدهای ریالی ناشی از فروش نفت منوط به پیش‌بینی نرخ ارز است؛ زیرا با افزایش نوسانات نرخ ارز امکان پیش‌بینی دقیق قیمت ریالی صادرات نفت و مشتقات نفتی با اختلال مواجه می‌شود، این رخداد احتمالی می‌تواند برنامه بودجه سالیانه را با چالش مواجه سازد، به‌همین دلیل یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر بودجه دولت نرخ ارز است؛ لذا شناسایی علل و عوامل نوسان‌های نرخ ارز در کشور از اهمیت فراوانی برخوردار است (مروت و فریدزاد، ۱۳۹۴). با توجه به اهمیت نرخ ارز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی، می‌توان بیان کرد که تغییر در نرخ ارز می‌تواند سایر متغیرهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. در صورتی که میزان و اندازه این تغییرها در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت افزایش قابل‌توجهی یابد، می‌تواند منجر به ایجاد بحران ارزی در اقتصاد یک کشور شود (کیائی، ۱۳۹۴) که در اقتصاد ایران نیز در چهار دهه گذشته، چهار بحران ارزی رخ داده است.

علاوه بر ایران، وقوع بحران در کشورهای دیگر نیز پدیده‌ای تجربه شده است، ولی نوع مواجهه و مدیریت حاکمیت یک کشور با یک بحران ارزی تعیین‌کننده میزان موفقیت آن کشور در کاهش هزینه‌ها و اثرهای آن بحران بر بخش‌های مختلف اقتصادی خواهد بود. تقریباً در تمام کشورهای جهان، بانک‌های مرکزی وظیفه حفظ ارزش پول ملی را بر عهده دارند. براساس فصل دوم قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران وظیفه مدیریت بازار ارز را بر عهده دارد، برخی از بندهایی که به‌صراحت بدین‌وظایف اشاره دارند، به شرح ذیل هستند:

- نگاهداری تمام ذخایر ارزی و طلای کشور،

• تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی با تصویب شورای پول و اعتبار و همچنین نظارت بر معامله‌های ارزی، بانک مرکزی به‌عنوان نهادی که طبق قانون تمام ذخائر ارزی کشور را داراست، باید به‌منظور مدیریت بازار ارز و جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی اقدام‌های مؤثری را اتخاذ کند. با این حال؛ در طی بحران‌های ارزی گذشته، سیاست‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در کنترل اثرهای ناشی از بحران‌های ارزی ناموفق بوده‌اند و ایجاد تلاطم در سایر متغیرهای اقتصادی و بازار دارایی‌های مالی را شاهد بوده‌ایم. از این رو این پژوهش در نظر دارد، به آسیب‌شناسی جامع سازوکارهای مدیریت بازار ارز پرداخته و روش‌های مدیریت ارزی بانک مرکزی در بحران‌های ارزی را مورد مطالعه قرار دهد. سؤال اصلی این پژوهش این است که آسیب‌های سازوکارهای فعلی مدیریت ارزی بانک مرکزی در زمان بحران‌های ارزی کدام‌اند.

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. نرخ ارز

نرخ ارز قیمت یک واحد پول رایج بر حسب پول رایج دیگر است؛ لذا مقدار لازم از یک واحد پولی که می‌تواند مقداری از واحد پولی دیگر را خریداری کند، همان نرخ ارز است. به‌طور کلی، نرخ به‌عنوان یکی از عوامل کلان اقتصادی، همواره مورد توجه فعالان اقتصادی بوده است. در واقع، این نرخ بیانگر شرایط اقتصادی کشور بوده و عاملی برای مقایسه اقتصاد ملی با اقتصاد سایر کشورهاست. در این بین، اتخاذ سیاست‌های ارزی مناسب با توجه به بستر اقتصادی هر کشور، توسط سیاست‌گذاران آن کشور انجام می‌شود. در ایران، چون عرضه ارز در انحصار دولت و بانک مرکزی است، به‌ناچار قیمت ارز بر اساس عرضه و تقاضا تعیین نمی‌شود. افزایش درآمد نفت، درآمدهای ارزی دولت را افزایش داده و قیمت ارز نشانه‌ای از توان واقعی اقتصاد ایران نبوده و مجموعه‌ای از قیمت‌های مصنوعی را به اقتصاد تحمیل می‌کند (عزیززاد و کمیجانی، ۱۳۹۴).

۱-۲. نظام‌های ارزی

نظام نرخ ارز به بخشی از عوامل نظام ارزی اشاره می‌کند که بر اساس آن این نرخ تعیین می‌شود. نظام نرخ ارز یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاستی دولت‌ها محسوب شده و انتخاب آن اثر قابل‌توجهی بر تجارت کالا و خدمات، جریان سرمایه، تورم،

تعدادل تراز پرداخت‌ها و سایر متغیرهای اقتصادی دارد. به این دلیل انتخاب نظام نرخ ارز یک مؤلفه اساسی اقتصادی جهت حفظ رشد و ثبات است. باین‌حال هیچ اتفاق‌نظری در مورد اینکه یک نظام ارزی مناسب چگونه باید انتخاب شود صورت نگرفته است، همچنین یک نظام ارزی ایدئال که برای همه کشورها مناسب باشد وجود ندارد (دولت‌آبادی، ۱۳۹۶).

نظام‌های ارزی می‌توانند در یک تقسیم‌بندی کلی در ۳ گروه ثابت (میخکوب)، انعطاف‌پذیر (شناور) و نظام‌های ارزی میانه طبقه‌بندی شوند. تا پیش از دهه ۱۹۷۰ اغلب اقتصادهای جهان تحت نظام نرخ ارز ثابت که به‌عنوان نظام برتون وودز^۱ شناخته می‌شود قرار داشتند (عاطفی‌منش، ۱۳۹۳). از سال ۱۹۷۱ به بعد کشورها به‌صورت مستمر به سمت نظام نرخ ارز شناور که در آن نرخ ارز توسط بازار تعیین می‌شود، حرکت کرده‌اند. در این سیستم با افزایش تقاضا برای پول خارجی یا کاهش عرضه پول خارجی، ارزش پول داخلی کاهش می‌یابد و با کاهش تقاضا برای پول خارجی یا افزایش عرضه پول خارجی، ارزش پول داخلی افزایش پیدا می‌کند (عاطفی‌منش، ۱۳۹۴). امروزه براساس طبقه‌بندی صندوق بین‌المللی پول^۲ در بین ۱۸۸ کشور عضو صندوق، ۹۱ کشور نظام‌های ارزی ثابت، ۸۴ کشور نظام‌های ارزی انعطاف‌پذیر و درنهایت تنها ۱۳ کشور نظام‌های ارزی بینابین را انتخاب کرده‌اند که ایران نیز جزء این کشورهاست (برخوردراری، ۱۳۹۱).

۳-۱. عوامل مؤثر بر نظام ارزی ایران

نظام ارزی یک کشور با مؤلفه‌هایی مانند روش تعیین نرخ برابری پول ملی با پول‌های خارجی در هر لحظه از زمان مشخص می‌شود. بانک‌های مرکزی عهده‌دار اجرای سیاست‌های پولی و ارزی هستند. بانک مرکزی در قالب وظیفه اصلی خود که همان حفظ ارزش پول ملی است، مجموعه‌ای از سیاست‌های پولی و ارزی را به‌عنوان برنامه کاری خویش برای هر دوره زمانی خاص برمی‌گزیند، اما در اقتصادهایی مانند ایران که جداسازی کامل حرکت‌های پولی و مالی به‌دلیل وجود درآمدهای ارزی دولت امکان‌پذیر نیست، ورود دارایی خارجی به جهت عملیات دولت به‌ناچار به افزایش حجم پول می‌انجامد؛ بنابراین سیاست ارزش‌گذاری پول ملی هر چه باشد، بانک مرکزی باید برای کنترل پایه پولی ترکیبی از تصمیم‌گیری‌های مربوط به

۱. Breton Woods

۲. International Monetary Fund (IMF)

مدیریت ارزی و ریالی را اتخاذ کند (عبادی و جهانگرد، ۱۳۹۱).

۴-۱. بحران ارزی

بحران ارزی در اقتصاد به شرایطی اطلاق می‌شود که حملات سوداگرانه برای خرید ارز در اقتصاد به اندازه‌ای است که یا ارزش پول ملی به شدت کاهش یافته و یا اینکه دولت مجبور است با فروش ذخایر ارزی یا افزایش نرخ بهره به حفظ ارزش پول ملی اقدام کند (Glick and Hutchison, 2011). برای بحران ارزی تعاریف متعددی ارائه شده است؛ برای مثال فرانکل و رز^۱ (۱۹۹۶) بحران ارزی را به صورت کاهش حداقل ۲۵ درصدی ارزش اسمی پول ملی تعریف کرده‌اند؛ به نحوی که حداقل ۱۰ درصد از میزان کاهش ارزش سال گذشته بیشتر باشد. میلسی و رازین^۲ (۱۹۹۸) در تعریف بحران ارزی علاوه بر حداقل ۲۵ درصد کاهش ارزش اسمی پول ملی شرط کرده‌اند که میزان کاهش ارزش نسبت به سال گذشته دست کم دو برابر شده باشد و میزان کاهش ارزش در سال‌های قبل نیز کمتر از ۴۰ درصد باشد (کیائی، ۱۳۹۴). به طور کلی می‌توان گفت؛ بحران ارزی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن نسبت به توانایی بانک مرکزی در دفاع از نرخ ارز موجود در بازار شک و تردید وجود داشته باشد (حیدری و عزیزنژاد، ۱۳۹۴). عوامل مختلفی به عنوان ریشه بحران ارزی ذکر شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به ناسازگاری میان سیاست‌های اقتصاد کلان داخلی، وجود اختلال در نظام بانکی و بازارهای مالی و آزادسازی مالی اشاره داشت (کیائی، ۱۳۹۴). در دهه اخیر اقتصاد ایران علاوه بر موارد فوق، تحت تأثیر مخاطره‌های ناشی از تشدید تحریم‌ها نیز قرار گرفته و تا حدود زیادی ضعف در ساختار اقتصاد کشور نمایان تر شده است. به طور کلی تحریم‌های وضع شده بر اقتصاد ایران از چهار طریق کاهش درآمدهای نفتی، محدودیت در دسترسی به کالاها و خدمات خارجی، محدودیت انتقال ارز و تحریم صادرات خاص (پتروشیمی و...) به اقتصاد کشور سرایت کرد و سبب گردید تا درآمدهای ارزی کشور محدود شود (ازوجی و دیگران، ۱۳۹۳). در نتیجه مجزاهای اثرگذاری بر نظام ارزی را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد؛ مورد اول کاهش دفعی درآمدهای ارزی کشور از طریق ایجاد محدودیت در صادرات نفت و مورد دوم محدودسازی دسترسی ایران به منابع موجود از طریق تحریم مجراهای پرداخت است (کیائی، ۱۳۹۴). در کنار محدودیت‌های

۱. Frankel and Rose

۲. Milesi and Razin

انتقال درآمدهای ارزی، رشد سایر متغیرهای اقتصادی مانند حجم نقدینگی و گردش آن در بازار دارایی‌های سوداگرانه مانند ارز سبب ایجاد بحران ارزی می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با بحران‌های ارزی و سازوکارهای مدیریت بازار ارز تحقیقات مختلفی انجام شده‌اند که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد.

جدول (۱): پیشینه پژوهش

ردیف	نویسندگان	گفتار اصلی
۱	Paczynski (2000)	در مقاله‌ای با عنوان «بحران ارزی سال ۱۹۹۵-۱۹۹۴ مکزیک» متغیرهای خرد و کلان تأثیرگذار بر بحران ارزی مکزیک و راهکارهای برون‌رفت از بحران را به‌صورت مفصل گفته است. در این مقاله از اجرای سیاست کاهش ارزش در زمان نادرست، عدم تدوین بسته‌های سیاست پولی و فقدان ارتباط بین دامنه نوسانات ارزی و توافقنامه وام صندوق بین‌المللی پول به‌عنوان علل وقوع بحران ارزی یاد شده است.
۲	Shi (2000)	در مقاله‌ای به بررسی رابطه نرخ ارز و تورم در نظام‌های ارزی دوگانه پرداخته است، او بیان می‌دارد که اغلب کشورهایی که با کسری تراز پرداخت‌ها مواجه‌اند تا زمانی که منابع ارزی کافی در اختیار دارند به حفظ نرخ ارزی فعلی اهتمام دارند و این کشورها با کاهش دسترسی به منابع ارزی، با استفاده از نظام ارزی دوتراخی سعی در حفظ ذخایر ارزی خواهند داشت که در این شرایط نرخ ارز رسمی صرف واردات کالاهای اساسی و نرخ ارز آزاد مصروف واردات کالاهای غیرضروری خواهد بود. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که شکاف میان نرخ ارز رسمی و بازار آزاد سبب کاهش درآمدهای تعرفه‌ای و افزایش معاملات غیرقانونی و رانت‌جویانه در اقتصاد خواهد شد.
۳	Dimitrios Dapontas (2011)	در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه بحران‌های ارزی ۱۹۹۴، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۸ کشور ترکیه» شباهت‌ها و تفاوت‌های بحران ارزی ترکیه در این سه دوره را بررسی می‌کند. او بیان داشته که وابستگی شدید اقتصاد ترکیه به استقراض خارجی و افزایش کسری حساب جاری سبب بروز بحران ارزی شده است که رشد شدید تورم از نتایج این بحران بوده است.
۴	باقری پرمهر و موسوی	به ارزیابی عوامل تعیین‌کننده نرخ ارز تعادلی و بررسی ریشه‌های

ردیف	نویسندگان	گفتار اصلی
	نیک (۱۳۹۱)	تحولات بازار ارز پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که «خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، مخارج دولت و مازاد تراز تجاری» نسبت به تولید ناخالص داخلی متغیرهای اساسی تعیین کننده نرخ ارز تعادلی در اقتصاد ایران هستند. این پژوهش برای سال‌های آتی پیشنهاد کرده بود که برای تأمین منابع سیاست هدفمندی پارانه‌ها، سازوکاری مستقل از بازار ارز تعریف شود. همچنین کنترل پایه پولی و کاهش مخارج دولت از ضروری‌ترین اقدام‌ها برای کنترل نوسان‌های ارزی خواهد بود.
۵	سحابی و دیگران (۱۳۹۳)	در پژوهشی با عنوان «بررسی انواع ریسک نوسان نرخ ارز و شیوه‌های مدیریت آن»، به بیان مبانی نظری و تجربه‌های سایر کشورها در این زمینه پرداختند که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نوسان نرخ ارز از سه مسیر عمده ریسک تبدیل، ریسک معاملاتی و ریسک اقتصادی فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این مورد شرکت‌های خارجی از ابزارهای مختلف مالی به خصوص در ریسک عملیاتی و مالی به منظور پوشش ریسک تحمل شده توسط شرکت استفاده می‌کنند.
۶	خیابانی و غلجهای (۱۳۹۳)	در مقاله‌ای با عنوان «نظام‌های ارزی و فشار بازار ارز در یک اقتصاد صادرکننده نفت»؛ به اندازه‌گیری نوسانات نرخ ارز و تعیین میزان مداخله بانک مرکزی برای مدیریت این نوسان‌ها پرداختند. یافته‌ها نشان داد که افزایش درآمد صادرات نفت موجب افزایش مداخله بانک مرکزی در بازار ارز و افزایش پول ملی شده که با افزایش احتمال گذار به نظام تقویت ارزش پول ملی و کاهش فشار نرخ ارز همراه شده است. باید اشاره داشت که کاهش درآمد صادرات نفت سبب ایجاد رابطه‌ای عکس حالت بالا در میزان مداخله بانک مرکزی و فشار نرخ ارز خواهد شد.
۷	گرشاسی (۱۳۹۴)	در مقاله‌ای با عنوان «نقش مرکز مبادلات ارزی در مدیریت آثار تحریم در بخش واردات» مهم‌ترین سیاست عمومی دولت برای مقابله با تحریم‌ها را مورد بررسی قرار داده است. این مطالعه اولویت‌بندی مصارف ارزی و تخصیص ارز به تقاضای واقعی، ایجاد شفافیت در بازار ارز و ایجاد سازوکار تعامل عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان را از مهم‌ترین اهداف تشکیل مرکز مبادله‌های ارزی می‌داند. در کنار این آثار مثبت؛ تأخیر در راه‌اندازی مرکز مبادله‌های ارزی، عدم پایبندی برخی شرکت‌های دولتی به عرضه ارز در مرکز، فقدان نظام انتقال ارز و ملاک‌های کشف قیمت از

ردیف	نویسندگان	گفتار اصلی
		مهم‌ترین مشکلات در ارتباط با مرکز مبادلات ارزی بوده‌اند.
۸	حیدری و عزیزنژاد (۱۳۹۴)	در گزارشی با عنوان «بررسی دلایل نوسان‌های ارزی در ایران (۱۳۹۲-۱۳۹۰)؛ با نگاهی به تجربه کشورهای منتخب» عوامل و علل بحران ارزی ۴ کشور ترکیه، کره جنوبی، مکزیک و تایلند را به‌صورت خلاصه بررسی کرده و در تحلیل عوامل بحران ارزی ایران به نقش متغیرهای اقتصادی، تحریم‌های اقتصادی و تحریک انتظارات سفته‌بازان اشاره داشتند و حذف نرخ مرجع ۱۲۲۶۰ ریالی، راه‌اندازی کامل سامانه نظارت ارزی، بازنگری و اصلاح مقررات مربوط به اعتبار اسناد ارزی و ایجاد اولویت‌بندی تخصیص منابع ارزی به واردات نهاده‌های تولید و کالاهای اساسی را از مؤثرترین اقدام‌های دولت در ایجاد ثبات نسبی بازار در سال ۱۳۹۲ برشمردند.
۹	پورشهبابی و حیدرپور (۱۳۹۴)	در گزارشی با عنوان «ارائه مدلی برای سنجش بحران ارزی در اقتصاد ایران» سازوکارهای اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی و حملات سفته‌بازانه بر شکل‌گیری بحران ارزی را مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعه بیان می‌دارد که تحریم‌های اقتصادی با کاهش ۶۰ درصدی صادرات نفت خام، افزایش هزینه مبادله‌های ارزی، کاهش تولید ناخالص داخلی خصوصاً در بخش انرژی و مسدودسازی منابع ارزی کشور به ارزش ۱۰۰ میلیارد دلار، سبب ایجاد نااطمینانی فعالان اقتصادی و افزایش انتظارات تورمی شده است که در وضعیت نامناسب ذخایر ارزی بانک مرکزی باعث تشدید حملات سفته‌بازانه شده و درنهایت به بحران ارزی منجر شده است.
۱۰	بنی‌طبا و حسینی دولت‌آبادی (۱۳۹۷)	در گزارشی به تحلیل وضعیت بازار ارز و ارائه پیشنهادهایی به‌منظور اقدام‌های دولت پرداختند. آنان عوامل افزایش نرخ ارز را در دو دسته عوامل زمینه‌ای و عوامل تشدیدکننده دسته‌بندی کردند که از عوامل زمینه‌ای می‌توان به رشد بیش‌ازاندازه نقدینگی، قطع ارتباط شبکه بانکی ایران با بانک‌های خارجی و وابستگی مسیرهای انتقال ارز به برخی کشورها مانند امارات اشاره داشت. همچنین افزایش شدید خروج سرمایه، خروج آمریکا از توافق برجام و محدودیت در فعالیت شبکه صرافی‌های مرتبط با ایران را می‌توان ذیل عوامل تشدیدکننده دسته‌بندی کرد. این پژوهش به‌دقت سیاست تخصیص ارز دلار با نرخ ۴۲۰۰ تومان را بررسی کرده و آن را در برخی موارد ناکارا می‌داند و پیشنهاد می‌کند دولت به‌جای

گفتار اصلی	نویسندگان	ردیف
اصرار به تک‌نرخی کردن ارز، تلاش خود را به سازمان‌دهی و مدیریت عرضه و تقاضای ارز و اجرای پیمان‌سپاری ارزی به‌منظور اطمینان از بازگشت همه منابع ارزی به کشور معطوف دارد.		

با بررسی پیشینه پژوهش مشخص می‌شود که هیچ منبعی به نقش بانک مرکزی در بحران‌های ارزی و سازوکارهای مدیریت ارزی این نهاد نپرداخته است. به‌علت شرایط خاص اقتصاد ایران و امکان ایجاد بحران‌های ارزی در سال‌های آینده، بررسی سازوکارها و ابزارهای مدیریت ارزی و چگونگی ایفای نقش بانک مرکزی به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد درگیر در بحران ارزی کشور، از اهمیت راهبردی برخوردار است که این پژوهش بدان خواهد پرداخت؛ لذا بررسی نقش بانک مرکزی در کنترل آثار یک بحران ارزی و آسیب‌شناسی سازوکارها و ابزارهای مدیریت بازار ارز نوآوری این پژوهش است. این پژوهش در تلاش بوده تا برای پاسخ به سؤال‌ها، بتواند دانش ضمنی خبرگان نظام ارزی را با جدیدترین نظریه‌های علمی و پژوهش‌های دانشگاهی ترکیب کرده و سازوکارهای مدیریت بازار ارز را مورد آسیب‌شناسی قرار دهد.

۳. تجارب سایر کشورهای جهان در مدیریت بحران‌های ارزی

کشورهای مختلفی در جهان در طی سالیان گذشته با بحران‌های ارزی مواجه بوده‌اند که در این پژوهش به بحران ارزی چهار کشور منتخب ترکیه، تایلند، کره جنوبی و مکزیک پرداخته می‌شود (حیدری و عزیزنژاد، ۱۳۹۴؛ حیدری و عریانی، ۱۳۹۳ و Nakornthab, 2009).

جدول (۲): تجارب سایر کشورها در مدیریت بحران‌های ارزی

راهکار	عوامل ایجاد بحران	بحران ارزی
<ul style="list-style-type: none"> - تطابق سیاست پولی با نظام ارزی شناور - کنترل و هدف‌گذاری نرخ رشد خالص ذخایر خارجی و داخلی بانک مرکزی - کاهش تعهدهای کوتاه‌مدت بانک‌های دولتی، افزایش سرمایه بانک‌ها، هماهنگ ساختن نرخ بهره سپرده بانک‌های دولتی با نرخ بهره رایج در بازار و مدیریت سبب وام‌های آن‌ها. - تدوین و ابلاغ دستورالعمل‌ها و 	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش استقراض بین‌المللی - کژکارکردی و ریسک بالای شبکه بانکی ترکیه - افزایش نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت و ایجاد ریسک بازار برای پرتفوی بانک‌ها - خروج بالا و سریع منابع سرمایه‌گذاری شده توسط شرکت‌ها و اشخاص خارجی در اقتصاد ترکیه 	<p>ترکیه (۲۰۰۰)</p>

راهکار	عوامل ایجاد بحران	بحران ارزی
چهارچوب‌های نظارتی متعدد با هدف کاهش بدهی‌های معوق بانکی و ساماندهی دارایی‌های پرمخاطره بانکی.		
<ul style="list-style-type: none"> - بهره‌مندی از کمک صندوق بین‌المللی پول و اجرای برنامه این نهاد برپایه دو محور مدیریت نرخ ارز و بازگرداندن ثابت به بازار مالی - کاهش هزینه‌ها و افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده - اتخاذ سیاست‌های پولی انقباضی و افزایش نرخ بهره - تشویق تجدید سرمایه بانک‌ها و شرکت‌های مالی 	<ul style="list-style-type: none"> - حاکمیت نظام ارزی ثابت و عدم تعدیل نرخ ارز متناسب با شرایط اقتصاد. - ناتوانی شرکت‌ها در بازپرداخت استقراض‌های خود از بازارهای بین‌المللی. - ضعف بنیان‌های کلان اقتصادی (پایین بودن رشد اقتصادی، صادرات و سرمایه‌گذاری به دلیل تقویت ارزش پول واقعی؛ وجود کسری‌های بالا در حساب جاری؛ بالا بودن نرخ‌های بهره و تورم؛ مشکلات مرتبط با نقل‌وانتقال وام‌های بانکی بین‌المللی) 	تایلند (۱۹۹۷)
<ul style="list-style-type: none"> - افزایش شدید نرخ بهره، افزایش بازدهی اوراق بهادار شرکتی از ۱۴،۱ درصد به ۲۴،۳ و ۲۳،۴ درصد در نوامبر و دسامبر سال ۱۹۹۷ - افزایش سقف در مالکیت خارجی کلی سهام پذیرفته شده در بورس از ۲۶ به ۵۵ درصد و حذف کامل این سقف در پایان سال ۱۹۹۸ - تسریع خروج بانک‌های ورشکسته از سیستم بانکداری - بازسازی بانک‌های دچار مشکل و تقویت مقررات احتیاطی 	<ul style="list-style-type: none"> - استقراض بین‌المللی بالا طی سال‌های پیش از بحران - ایجاد چالش در تراز پرداخت‌ها به سبب خروج سرمایه شدید - آزادسازی گسترده مالی و افزایش تعداد بانک‌ها - افزایش سریع اعطای وام از سوی بانک‌ها با قواعد سهل‌انگارانه و ارزیابی نامکفی ریسک 	کره جنوبی (۱۹۹۷)
<ul style="list-style-type: none"> - تأمین مالی مجدد بدهی‌های کوتاه‌مدت ارزش‌گذاری شده بر حسب دلار - مذاکره با صندوق بین‌المللی پول و دولت آمریکا جهت تدوین بسته حمایتی با ارزش ۵۱ میلیارد دلار - اتخاذ سیاست پولی انقباضی جهت مهار 	<ul style="list-style-type: none"> - بالاتر بودن تورم داخلی در مقایسه با تورم خارجی همراه با نرخ ارز میخکوب - سبب تقویت ارزش اسمی پول ملی شد - استقراض بالا از بازارهای مالی بین‌المللی - افزایش اتکای بانک‌ها به روش‌های 	مکزیک (۱۹۸۲)

راهکار	عوامل ایجاد بحران	بحران ارزی
فشارهای تورمی و کاهش نوسان‌های نرخ ارز - افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده از ۱۰ درصد به ۱۵ درصد	تأمین مالی کوتاه‌مدت نظیر گواهی‌های سپرده افراد غیرمقیم - همزمانی به افزایش بازدهی اسناد خزانه آمریکا در سایه تشدید بی‌ثباتی سیاسی در مکزیک	

بررسی تجارب سایر کشورها در مدیریت بحران ارزی نشان می‌دهد که اغلب آنها از سیاست پولی انقباضی، افزایش مالیات و ارائه برنامه‌های عملیاتی برای سامان‌دهی نظام مالی و شبکه بانکی استفاده کرده‌اند.

۴. ابزار پژوهش

با توجه به آنکه چالش‌های مورد بررسی در مطالعات پیشین و منابع کتابخانه‌ای، بیانگر تمامی مسائل مربوط به سازوکارهای مدیریت ارزی بانک مرکزی نبوده و این احتمال وجود دارد که تعداد قابل توجهی از آنها فقط به واسطه مصاحبه با مسئولان و مدیران اجرایی حوزه ارزی شناسایی شوند، با تعدادی از مدیران این حوزه که به صورت مستقیم با مسئله آشنا و مواجه بوده‌اند تا رسیدن به اشباع نظری، مصاحبه انجام شده است.

۵. روش‌شناسی انجام پژوهش

تحقیق پیش‌رو از لحاظ هدف کاربردی^۱، از لحاظ ماهیت توصیفی^۲ و از لحاظ نوع داده کیفی^۳ است. به دلیل ماهیت خبرگانی مسئله و تمرکز موضوع بر بررسی تجارب گذشته، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش کیفی از نوع تحلیل مضمون^۴ است. به طور کلی مضمون ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤال‌های پژوهش است (King & Horrocks, 2010). تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی بوده و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006). این روش براساس یک رویه

۱. Applied

۲. Descriptive

۳. Qualitative

۴. Thematic Analysis

مشخص و در سه سطح مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)، سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) را نظام‌مند می‌کند و نقشه‌ای از کل مضامین ارائه می‌دهد که مضامین با توجه به رابطه اعم و اخص با یکدیگر در آن شبکه جایگذاری شده‌اند (کمالی، ۱۳۹۷).

مضمون فراگیر مقاله حاضر «فقدان نظام جامع مدیریت ارزی» است و مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه از مرور پیشینه‌های پژوهش و متن مصاحبه‌های هدفمند استخراج شدند. برای پالایش و نهایی کردن مضامین استخراج‌شده، یک گروه کانونی^۱ شامل برخی اعضای هیئت علمی دانشگاه که سابقه کار اجرایی و پژوهشی در نظام ارزی داشتند، تشکیل شد. از آنجایی که مشارکت‌کنندگان در گروه کانونی فرایند تحلیل و مضامین به‌دست‌آمده را بازبینی نموده و نظرهای خود را ابراز داشتند؛ بنابراین یافته‌های این مرحله از حیث روایی و پایایی تأیید شدند (کیدوری و دیگران، ۱۳۹۱). در ابتدای کار، مضامین پایه‌ای مرتبط با مدیریت ارزی از منابع مورد بررسی و متن مصاحبه‌ها استخراج و در قالب کدهایی سازمان‌دهی شدند که به سبب محدودیت متن مقاله، از میان ۲۵۰ مضمون پایه‌ای استخراج شده تنها به نمونه‌ای ۲۰ تایی از آنها در جدول زیر اشاره شده است.

جدول (۳): جدول مضامین پایه

ردیف	متن	مضمون پایه‌ای
۱	به علت اینکه بخشی از تغییرهای نظام ارزی به خارج از کشور وابسته است، امکان استفاده از قوانین یکسان وجود ندارد و بانک مرکزی پیوسته باید قوانین را تعدیل کند که در مواقعی، سرعت کند بانک مرکزی در مواجهه و واکنش به تغییرها سبب بروز مشکلات و افزایش نرخ ارز شده است.	عدم واکنش فعالانه و سریع سیاست‌گذار در مواجهه با تغییرها
۲	نهادهای زیادی در فرایند مدیریت بازار ارز حضور دارند که مقررات و بخشنامه‌های آنان مستقیماً بر عرضه و تقاضای ارز تأثیر می‌گذارد. اغلب هماهنگی دقیقی میان این نهادها وجود ندارد که سبب ایجاد تعارض در بخشنامه‌های ابلاغی می‌شود. در شرایط فعلی عدم وجود یک مرکز مدیریت ارزی که بتواند میان همه فعالیت‌های	فقدان هماهنگی میان نهادهای مؤثر بر بازار ارز

۱. Focus Group

ردیف	متن	مضمون پایه‌ای
	<p>نهادهای درگیر هماهنگی ایجاد کند، یکی از ضعف‌های جدی است.</p>	
۳	<p>رئیس کل بانک مرکزی باید در میان فعالان اقتصادی اعتبار بالایی داشته باشد، این اعتبار سبب افزایش اثرگذاری بیانیه‌های بانک مرکزی و تعدیل انتظاراتها خواهد شد. متأسفانه رؤسای بانک مرکزی ایران تمایل زیادی به مصاحبه‌های مطبوعاتی دارند که به مرور سبب کاهش اعتماد عمومی به شخص رئیس کل و توانمندی نهاد بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز خواهد شد.</p>	<p>عدم استفاده از شیوه‌های صحیح ارتباطی میان نهاد بانک مرکزی و شخص رئیس کل با فعالان بازار ارز</p>
۴	<p>متأسفانه مبادی وارداتی ایران متناسب با شرایط ارزی کشور انتخاب نشده‌اند. نهادهای مؤثر در بازار ارز باید بتوانند مبادی وارداتی را به کشورهایی با حجم مبادلات بالای ارزی با ایران تغییر دهند؛ مثلاً دلیلی ندارد به جای واردات گندم از اوراسیا همچنان از برزیل گندم وارد کنیم.</p>	<p>تمرکز واردات کالا از برخی مبادی ارزی</p>
۵	<p>متأسفانه بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر بر بانک‌ها در بحران‌های ارزی گذشته نتوانسته است فعالیت شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌ها که در امور تجاری و ارزی فعالیت دارند را کنترل کند. این فقدان نظارت سبب شده است، برخی از بانک‌ها باتوجه به ارتباطاتی که دارند بتوانند امتیازهایی برای شرکت‌های زیرمجموعه خود به دست آورند؛ مثلاً چند بانک نتوانسته‌اند ارز ۴۲۰۰ برای شرکت‌های تجاری خود دریافت کند.</p>	<p>فقدان نظارت بر فعالیت‌های ارزی بانک‌ها و شرکت‌های زیرمجموعه</p>
۶	<p>یکی از سیاست‌های اشتباه اقتصادی، نگاه به نرخ ارز به‌عنوان ابزار ثبات اقتصادی و کنترل تورم بوده است، درحالی‌که تثبیت نرخ ارز نتوانسته تورم دورقمی را از اقتصاد ایران رفع کند و در سال‌هایی این تثبیت سبب جهش‌های ارزی شده است.</p>	<p>سیاست‌گذاری نادرست در زمینه کنترل تورم</p>
۷	<p>یکی از سیاست‌هایی که سبب تمایل سرمایه‌گذاران به حضور در بازار ارز شده است، وجود نرخ بهره حقیقی منفی در اقتصاد بوده است. بررسی آمار اقتصادی نشان‌دهنده وجود تورم پایدار ۲۰ تا ۲۲ درصدی در اقتصاد ایران است، در شرایطی که بانک مرکزی سیاست کاهش نرخ سود بانکی به ارقام ۱۵ درصد یا کمتر را پی گرفته است، معمولاً به‌خاطر وجود نرخ بهره حقیقی</p>	<p>اثر سیاست کاهش نرخ سود بانکی بر افزایش تقاضای ارز</p>

ردیف	متن	مضمون پایه‌ای
	منفی برای سپرده‌گذاری در شبکه بانکی، این منابع وارد بازار ارز شده و با گردش در این بازار موجبات بحران ارزی را فراهم آورده است	
۸	در سال‌های قبل سیاست بانک مرکزی در ایجاد چند نرخ در بازار ارز به‌شدت به کارایی بازار ارز لطمه وارد کرده است. در شرایط فعلی یک نرخ ارز دولتی ۴۲۰۰، یک نرخ نیما، یک نرخ سنا و یک نرخ بازار آزاد ایجاد شده است که اصلاً معلوم نیست، کدام نرخ، نرخ ارز این اقتصاد است. نرخ ارز دولتی ۴۲۰۰ کارآمد نیست. نرخ ارز نیما و سنا هم طبق مصوبه ۲۲ فروردین سال ۹۷ به‌نوعی غیرقانونی است.	سیاست بانک مرکزی در ایجاد چند نرخ ناکارا و بدون کارکرد مشخص
۹	در شرایط فعلی همه اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند وارد بازار ارز شده و هر مقدار ارز خرید کنند و هیچ سامانه جامعی هم برای پایش فعالیت افراد وجود ندارد. مرکز مبادلات ارزی که با هدف مدیریت عرضه و تقاضا، نظارت بر بازار و کنترل نرخ ارز با استفاده از سازوکار عرضه و تقاضای ارز و اتکاء به ارزش‌های حاصل از صادرات غیرنفتی در مهر ماه ۱۳۹۲ راه‌اندازی شد هم از سال ۱۳۹۴ تعطیل شد.	عدم شفافیت و ناکارایی فرایند کشف قیمت در بازار ارز - مشخص نبودن فعالیت بازیگران ارزی کشور
۱۰	متأسفانه در کشور وحدت سیاست‌گذاری وجود ندارد و برخی سیاست‌ها باهم در تضاد قرار می‌گیرند. دولت در بیانیه فروردین ۹۷ واردات و معامله ارز اسکناس را ممنوع کرده بود و این در شرایطی که بحران ارزی در حال وقوع بود، سبب کاهش ذخایر بانک مرکزی و شکل‌گیری بازارهای زیرزمینی شد.	اجرای سیاست‌های متضاد در بازار ارز
۱۱	یکی دیگر از مشکلات در مورد صرافی‌ها وجود دو نهاد نظارتی برای تدوین مقررات نظارتی است. در اصل باید معاونت ارزی بانک مرکزی وظیفه نظارت بر شبکه صرافی را داشته باشد ولی در قانون مقرر شده است که معاونت نظارتی بانک مرکزی بر فعالیت این صنف نظارت کند که سبب شده است که گاهی مقرراتی وضع شود که ایجاد مشکل کند و بعد معاونت ارزی وارد عمل شده و قانون را به‌منظور رفع مشکل اصلاح کند. در حقیقت نهاد نظارتی بر مبنای قوانین بر صرافی‌ها نظارت می‌کند	تعیین نادرست معاونت نظارتی به‌عنوان ناظر قانونی بر شبکه صرافی - عدم کارایی نظارت دو معاونت بانک مرکزی بر فعالیت شبکه صرافی

مضمون پایه‌ای	متن	ردیف
	و معاونت ارزی به دلیل جلوگیری از مشکلات در بازار ارز مجبور به نظارت است.	
فقدان نقشه تجاری متناسب با نظام ارزی کشور - اثر عدم تغییر نقشه تجاری کشور بر افزایش هزینه انتقال منابع ارزی	نقشه تجاری کشور متناسب با نقشه ارزی تدوین نشده است و در اثر تحولات ارزی ناشی از تحریم‌های اقتصادی نیز تعدیل نمی‌شود. این رخداد مشکلاتی مانند عدم همخوانی واردات و صادرات به یک کشور، تراز تجاری مثبت یا منفی و هزینه‌های بالای انتقال پول از یک کشور به کشور دیگر به منظور واردات را داشته است. نقشه تجاری باید زمینه صرف بستنکاری ارزی در همان کشور یا کشورهایی با حداقل هزینه را ایجاد کند و متناسب با تغییرهای نظام ارزی، تحول یابد.	۱۲
فقدان برنامه بلندمدت ارزی - عدم استفاده از همه ابزارهای تسویه تجاری مانند پیمان‌های پولی دوجانبه، رمزارزها و...	ما از ابزارهایی که در شرایط تحریم می‌توانند در تبادلات تجاری به کمک کشور بیاید هم استفاده نمی‌کنیم؛ مثلاً می‌توانیم بخشی از تجارتان را با تهاتر و بخشی را با پیمان‌های پولی دوجانبه و بخش دیگر را با حواله‌های ارزی انجام دهیم ولی از آنها استفاده نمی‌کنیم. اگر شرایط تحریمی برطرف شود، با فرض اینکه دیگر همه مشکلات کشور برای همیشه حل شده است، همه توافق‌های قبلی از بین می‌رود.	۱۳
عدم وجود طبقه‌بندی صنعتی و کالایی در سیاست پیمان‌سازی ارزی	یکی دیگر از مشکلات سیاست پیمان‌سازی این است که همه تجار، صنایع و بنگاه‌ها را در یک دسته قرار می‌دهد و الزام‌های قانونی را برای همه یکسان در نظر می‌گیرد. در حالی که کالاها با هم تفاوت دارند. برخی کالاها به صورت نقد و برخی به صورت اعتباری فروخته می‌شوند. اینکه یک بنگاه به کدام کشور صادر می‌کند بر زمان احتمالی تحویل ارز تأثیر دارد. در شرایط فعلی که بیماری کرونا در دنیا گسترش یافته، بنگاه صنایع غذایی که نمی‌تواند کالایش را به عراق صادر کند را نباید مانند بنگاه تولید مواد پتروشیمی یا فولاد بدانیم.	۱۴
نبود قوانین و فرایندهای دقیق کنترل نقل و انتقالات ربالی	یکی از کمبودها که سبب تشدید تقاضای سفته‌بازی در بازار ارز و سایر دارایی‌های مالی می‌شود، فقدان قوانین و فرایندهای دقیق برای کنترل نقل و انتقالات ربالی است. بدین منظور باید تراکنش‌ها برحسب مبلغ طبقه‌بندی شوند. افراد و شرکت‌ها حتماً باید به منظور تراکنش‌هایی	۱۵

ردیف	متن	مضمون پایه‌ای
	با مبالغ کلان ملزم به ارائه اسناد مالی باشند و منشأ و مقصد پول و علت انتقال مشخص شود؛ مثلاً وجود دستگاه‌های POS در خارج از کشور سبب خروج سرمایه می‌شد که نقش این دستگاه‌ها در خروج سرمایه در سال‌های ۹۵ و ۹۶ کاملاً مشهود بوده است که خوشبختانه بانک مرکزی آنها را از رده خارج کرد.	
۱۶	تمرکز بیش‌ازاندازه منابع و مصارف ارزی ایران در امارات طی سال‌های گذشته مشکلاتی بسیاری را ایجاد کرده است. این تمرکز سبب افزایش ریسک سیاسی شده و امکان شناسایی و تحریم کانال‌های ارزی را افزایش داده است به‌گونه‌ای که آمریکا در سال ۹۰ و ۹۱ با تحریم بانک ملی دویی توانست دسترسی ایران به منابع درهم را قطع کند که همین اتفاق در بحران ارزی سال ۹۷ نیز تکرار شد.	تمرکز منابع و مصارف ارزی کشور در یک منطقه جغرافیایی خاص
۱۷	سیاست اعطای نرخ ارز ترجیحی باتوجه به افزایش قیمت کالاهای اساسی، کارآمد نیست و قیمت کالاها با نرخ ارز آزاد یا نزدیک به آزاد تعدیل می‌شود و این ارز صرفاً اعطای رانت به گروه‌های خاص از منابع ملی کشور است	عدم کارایی سیاست تخصیص ارز ترجیحی برای واردات
۱۸	گاهی بانک مرکزی آمده است و به‌جای مداخله در بازار درهم دویی و کنترل نرخ برابری درهم و ریال، در بازار اسکناس تهران دخالت کرده است که این کار هزینه مداخله ارزی را به طرز بالایی افزایش داده است و منابع بانک مرکزی از دست‌رفته است.	استفاده از شیوه‌های مداخله نامناسب در برخی سال‌ها
۱۹	در اثر ناترازی موجود در نظام بانکی، امکان استفاده از ابزارهای مختلف سیاست پولی انقباضی مانند افزایش نرخ سود به‌گونه‌ای که بتواند انتظارات سفته‌بازان را تعدیل کند و از وقوع شوک‌های ارزی جلوگیری کند وجود ندارد؛ مثلاً در آستانه شوک‌های ارزی سال‌های ۹۱ و ۹۷، افزایش نرخ بهره به ارقامی حول ۲۰ درصد، آن‌چنان برای سفته‌بازان جذاب نبوده است که بتواند هزینه فرصت سفته‌بازی را افزایش بدهد و درنهایت به وخیم‌تر شدن ترازنامه نظام بانکی منجر شده است.	ناکارایی سیاست پولی انقباضی در جلوگیری از وقوع بحران ارزی به‌دلیل عدم امکان افزایش نرخ سود به ارقام بسیار بالا
۲۰	سیاست دیگری که معمولاً در ماه‌های قبل از وقوع بحران ارزی رخ می‌دهد پیش‌فروش سکه در	ناکارایی سیاست پیش‌فروش سکه در کاهش تقاضای سفته‌بازانه -

ردیف	متن	مضمون پایه‌ای
	سررسیدهای مختلف است که در سال‌های ۹۰ و ۹۶ هم رخ داده است. باتوجه به اینکه در شرایط تحریم اقتصادی، طلا از مهم‌ترین ذخایر راهبردی کشور است، این سیاست، فقط فروش سکه ارزان‌قیمت است و تأثیری در کنترل تقاضای سفته‌بازی نخواهد داشت که باوجود بی‌اثر بودن این تجربه در سال ۹۰، متأسفانه در سال‌های ۹۶ و ۹۷ هم این سیاست به‌کار گرفته شد.	بی‌توجهی سیاست‌گذار به تجارب قبلی ارزی

پس از بررسی دقیق منابع پژوهش شامل کتب، مقاله‌ها، گزارش‌های پژوهشی و مصاحبه‌های پژوهشگر مضامین پایه استخراج‌شده ذیل، پنج عنوان مضامین سازمان‌دهنده مذکور در جدول ۳ طبقه‌بندی شدند که بیانگر آسیب‌های موجود در سازوکارهای مدیریت بازار ارز می‌باشند. بررسی‌های نهایی نشان می‌دهد؛ فقدان نظام جامع مدیریت ارزی توضیح‌دهنده وجود تمامی آسیب‌ها و مشکلات موجود در حوزه مدیریت بازار ارز کشور می‌باشد. این پژوهش موارد زیر را از اصلی‌ترین عوامل بروز آسیب و ناکارایی در فرایند مدیریت بازار ارز می‌داند:

جدول (۴): جدول مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	مشکلات و آسیب‌های ناشی از ساختار بازار ارز	فقدان نظام جامع مدیریت ارزی
۲	پیامدها و آثار رویه‌های سیاست‌گذاری	
۳	فقدان یا ضعف برخی از سیاست‌های ضروری مدیریت بازار ارز	
۴	فقدان برخی ابزارها یا ضعف‌های موجود در ابزارهای مورد استفاده در نظام ارزی ایران	
۵	انفعال سیاست‌گذار ارزی نسبت به مدیریت پویای بازار ارز	

۶. آسیب‌های سازوکارهای مدیریت ارزی

۶-۱. مشکلات و آسیب‌های ناشی از ساختار بازار

یکی از عواملی که سبب افزایش پیچیدگی رفتار نرخ ارز و کاهش قدرت مداخله بانک مرکزی به‌منظور مدیریت نوسان‌های نرخ ارز شده است؛ مشکلات ناشی از ساختار بازار ارز در ایران است. «وجود نهادهای متعدد در نظام سیاست‌گذاری ارزی کشور»، «فقدان هماهنگی میان نهادهای مؤثر بر بازار ارز»، «تمرکز منابع و مصارف

ارزی کشور در یک منطقه جغرافیایی خاص» و «عدم شفافیت و ناکارایی فرایند کشف نرخ» از جمله عواملی هستند که ذیل آسیب‌های ناشی از ساختار بازار طبقه‌بندی شده و در ادامه توضیح داده خواهند شد.

گرچه بانک مرکزی اصلی‌ترین نهاد سیاست‌گذار در بازار ارز ایران است، ولی نهادهای بسیاری مانند وزارت نفت، وزارت صمت، وزارت جهاد کشاورزی، گمرک، سازمان امور مالیاتی، سازمان مناطق آزاد، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و... در سیاست‌گذاری‌ها و تنظیم‌گری بازار ارز ایران دخیل‌اند. وجود تعداد بالایی از ذی‌نفعان سبب شده است تا هماهنگی میان این نهادها به‌منظور قانون‌گذاری منسجم و عملکرد مناسب، دشوار باشد و گاهی بروز برخی ناهماهنگی‌ها سبب افزایش نااطمینانی فعالان اقتصادی و تهدید توان مدیریت بانک مرکزی در کنترل آثار حاصل از وقوع بحران‌های ارزی شده است. علاوه بر وجود چند نهاد سیاست‌گذار، بخش بزرگی از فرایندهای ارزی کشور و نقل‌وانتقالات ارزی به کشورهای دیگر، شرایط تجاری و قوانین بین‌المللی وابسته است. در شرایط تحریمی بخش بزرگی از ساختار انتقال منابع ارزی به شبکه صرافانی وابسته است که به‌علت شرایط تحریمی شاید هیچ اطلاعاتی را در اختیار نهاد ناظر بازار ارز ایران قرار ندهند. تغییر در قوانین بین‌المللی مانند محدودیت‌های مربوط به FATF، تغییر در قوانین فعالیت صرافان در دویی و از بین رفتن شبکه ضدتحریمی ایران در ترکیه و امارات از جمله عواملی بوده‌اند که سبب افزایش فشارهای ارزی در سال‌های اخیر شده‌اند و این فشارها در اثر تمرکز منابع و مصارف ارزی ایران در تعداد کمی از کشورها مانند امارات بوده است. تمرکز منابع و مصارف ارزی در یک پایتخت ارزی که خارج از کشور قرار دارد سبب شده است که در بحران ارزی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷ اتفاق‌هایی مانند تحریم بانک ملی شعبه دویی و قطع دسترسی ایران به درهم، محدودیت شدید در فعالیت شبکه صرافان مستقر در امارات و تغییر در انتظارات صرافان سبب بروز نااطمینانی ارزی و افزایش تقاضای ارز شود که نتیجه آن رشد شدید نرخ ارز بوده است.

یکی دیگر از مشکلات ساختاری بازار ارز ایران غیرشفاف و ناکارآمد بودن سازوکار کشف نرخ ارز است. براساس فرایند فعلی، روزانه نرخ برابری درهم امارات به ریال ایران، قیمت سایر ارزها را مشخص می‌کند. هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که پایتخت ارزی آن خارج از مرزهای داخلی باشد، ولی انتقال فرایند کشف نرخ به کشور امارات سبب بروز مشکلات جدی شده است که یکی از آنها نیز عدم شفافیت و

کارایی سازوکار کشف نرخ ارز است و نرخ را از خاصیت، رقابتی، متعادل و اطمینان- بخش بودن خارج کرده است.

۶-۲. پیامدها و آثار رویه‌های سیاست‌گذاری

بخشی از آسیب‌های بازار ارز در ایران به دلیل اعمال سیاست‌های نادرست ایجاد شده است. این سیاست‌ها گاهی سبب بروز تناقضات در منطق سیاست‌گذاری ارزی، افزایش نااطمینانی در بازار ارز و انتقال شوک‌های خارجی به بخش‌های حقیقی اقتصاد شده است. اولین رفتار منطقی فعالان اقتصادی در برابر افزایش نااطمینانی در بازار ارز، تلاش برای پوشش ریسک‌های آتی خواهد بود که خود را به شکل افزایش تقاضای ارز نشان می‌دهد. وجود سیاست‌ها، قوانین و بخشنامه‌های مختلف در طی سالیان گذشته که علاوه بر ناتوانی در حل مشکلات پایدار ارزی، سبب بروز تلاطم‌های بیشتر و کاهش قدرت مداخله سیاست‌گذار ارزی شده است، نشان از فقدان برنامه بلندمدت اقتصادی دارد. در ادامه به برخی از بارزترین پیامدهای رویه‌های سیاستی اشتباه سال‌های گذشته اشاره می‌شود.

از مضرترین سیاست‌های اقتصادی می‌توان به «سیاست ورود درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت به بودجه دولت» که علاوه بر افزایش پایدار پایه پولی، نقدینگی و تورم، سبب تقدم سیاست‌های مالی بر سیاست‌های پولی و ارزی شده و استقلال بانک مرکزی را کاهش داده است، اشاره کرد. دولت به‌مدد همین درآمدهای نفتی تمایل زیادی به تثبیت نرخ ارز داشته است که نتایجی مانند؛ تثبیت قیمت کالاهای وارداتی و کاهش قدرت رقابتی کالاهای داخلی و تضعیف تولید ملی را به همراه داشته و از طرف دیگر؛ تمایل به واردات کالای قاچاق و خروج سرمایه از کشور را سبب شده و بروز بحران‌های ارزی از دیگر آثار این سیاست بوده است. دولت در آستانه وقوع بحران‌های ارزی تمایل به اجرای سیاست‌های انقباضی پولی مانند افزایش نرخ سود بانکی و پیش‌فروش سکه طلا به‌منظور کاهش تقاضای سفته‌بازانه داشته است ولی این سیاست‌ها نتیجه‌ای جز ایجاد هزینه‌های بالا بر بانک مرکزی و شبکه بانکی نداشته‌اند.

پس از افزایش قابل‌ملاحظه قیمت ارز، سیاست‌گذار با عدم پذیرش رویداد بحران ارزی، سعی داشته است با سیاست‌هایی مانند تک‌نرخی کردن قیمت ارز و اختصاص آن برای پاسخ به همه نیازهای ارزی، به فعالان اقتصادی اطمینان‌دهی کند ولی این سیاست‌ها پیامدی جز تخلیه سریع‌تر منابع باکیفیت ارزی نداشته‌اند. در ماه‌های

بعدی در اثر تخصیص منابع ارزی و افزایش ثبت سفارش‌های دریافت ارز دولتی، دولت سیاست تأمین ارز دولتی برای پاسخ به همه نیازهای ارزی از جمله واردات همه گروه‌های کالایی را کنار گذاشته و ارز دولتی را فقط برای واردات کالاهای اساسی، دارو و تجهیزات پزشکی اختصاص داده است. نتیجه نهایی سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، ایجاد چند نرخ بدون کارکرد در بازار ارز ایران بوده است که تغییرهای فاصله میان نرخ‌ها و تلاش بانک مرکزی برای کاهش این فاصله به معضلی برای این نهاد تبدیل شده است.

در اثر سیاست تک‌نرخی کردن قیمت ارز در سال ۱۳۹۷، مبادله ارز به قیمت‌های دیگر و خارج از شبکه بانکی ممنوع اعلام شد و بخش عمده‌ای از فعالیت صرافان را به تعطیلی کشاند. در شرایطی که نظام بانکی کشور به‌صورت یکپارچه از نظام مالی و نقل و انتقالات پولی و ارزی بین‌المللی اخراج شده بود و حدود ۷۰ درصد انتقالات ارزی کشور توسط شبکه صرافان انجام می‌شد، تلاش برای محدودیت در فعالیت این صنف و پیگیری وظایف آنها از طریق شبکه بانکی، نشان از عدم آشنایی کامل سیاست‌گذار با شرایط اقتصادی کشور داشت.

یکی دیگر از رویه‌های سیاستی نادرست، انتخاب نظام ارزی شناور مدیریت‌شده بوده است. نظام ارزی شناور مدیریت‌شده در عمل نوعی نظام میخکوب‌خزننده بوده است که تنها کارکرد آن انباشت عدم تعادل حاصل از تغییر سایر متغیرهای اقتصادی در سایه تثبیت طولانی‌مدت نرخ ارز بوده است که سبب فشرده‌شدن فتر ارزی و جهش آن در یک بازه زمانی کوتاه شده که نتیجه آن ایجاد یک بحران ارزی و فشار مضاعف بر سایر متغیرهای اقتصادی بوده است. عدم تعدیل نرخ ارز و ایجاد بی‌ثباتی شدید در ارزش پول ملی سبب جایگزین‌شدن ارزش‌های خارجی، طلا و سکه طلا و سایر دارایی‌ها به جای ریال در نظام پرداخت و تسویه به‌خصوص در میان فعالان بخش خصوصی شده است. این نوع تغییرها در تقاضای مبادلاتی ریال در صورت ادامه‌دار بودن ممکن است سبب افزایش بی‌اعتمادی نسبت به ریال و جایگزینی برخی اسعار خارجی در نظام پرداخت گردد.

۳-۶. فقدان یا ضعف برخی از سیاست‌های ضروری مدیریت بازار ارز

بزرگ‌ترین فقدان سیاستی بازار ارز، نبود سیاست ارزی بلندمدت است که سبب بروز کاستی‌ها و اشتباه‌های بسیاری در نظام ارزی ایران شده است. بانک مرکزی در سیاست‌گذاری صحیح و متناسب با شرایط کشور و نظارت بر فعالیت شبکه بانکی

ناتوان بوده است. این ناتوانی سبب بروز کژکارکردی‌های بسیاری از جانب نظام بانکی شده است که بر بازار ارز اثرگذار بوده است. فقدان نظارت صحیح بر فرایند عدم نقدینگی و بازگشت تسهیلات به شبکه بانکی سبب افزایش نقدینگی و بروز تورم شده است که بیشترین فشار را بر کاهش ارزش پول ملی دارد. از طرف دیگر بانک مرکزی نظارت دقیقی نیز بر شرکت‌های زیرمجموعه شبکه بانکی نداشته و بررسی آمار نشان می‌دهد، برخی بانک‌ها توانسته‌اند میزان قابل توجهی ارز دولتی در اختیار شرکت‌های زیرمجموعه خود قرار دهند که سود سرشاری را عاید آنان کرده است. متأسفانه قوانین دقیق و مشخصی هم برای نظارت بر تراکنش‌های ریالی، طبقه‌بندی و اعمال محدودیت‌هایی بر انتقال ارقام بالا وجود ندارد.

بانک مرکزی وظیفه دارد از همه سیاست‌های ممکن به‌منظور افزایش کارایی پیمان‌سپاری ارزی بهره ببرد. متأسفانه عدم انعطاف این سیاست در برخورد با فعالیت‌های بازرگانی و کالاهای مختلف سبب بروز مشکلاتی در تودیع ارز حاصل از صادرات شده است. در برخوردهای قضایی صورت‌پذیرفته با شرکت‌های متخلف که از تودیع ارز به نظام ارزی کشور خودداری کرده‌اند نیز، فرایندهای کارآمدی که بتوانند سبب بازگشت ارز در کم‌ترین زمان به کشور شوند، مشاهده نمی‌شود. درحالی‌که این امکان وجود داشت که با هماهنگی قوه قضائیه بتوان روندهای جدیدی را به‌منظور برخورد با متخلفان ایجاد کرد و یا بانک مرکزی خود با استفاده از نظام‌های پرداخت و شبکه بانکی به‌عنوان اهرم فشار، بتواند متخلفین را مجبور به تودیع ارز حاصل از صادرات کند.

در برخی دوره‌های زمانی شکل مداخله مستقیم بانک مرکزی در بازار ارز نیز اشکال‌های قابل توجهی داشته است؛ برای مثال در زمستان سال ۱۳۹۵، بانک مرکزی از مداخله مستقیم در بازار اسکناس تهران باوجود آربیتراژ بالای قیمتی نسبت به قیمت بازار آزاد استفاده کرده بود که سبب تخلیه ذخایر ارزی کشور شد. درحالی‌که مداخله کارای بانک مرکزی باید دارای ویژگی‌های زیر باشد؛

- باید توأم با راهبرد صحیح مداخله‌ای به‌منظور ایجاد حداقل آربیتراژ قیمتی با سایر نرخ‌ها انجام شود.
- در دو بازار حواله و اسکناس به‌صورت همگن مداخله صورت گیرد تا فاصله میان نرخ اسکناس و حواله افزایش قابل توجهی نیابد.
- در شرایط فعلی تا حد ممکن از مداخله در بازار درهم دویی و تنظیم نرخ برابری درهم و ریال بوده استفاده کند که سبب تنظیم نرخ برابری دلار و ریال در بازار

تهران با کمترین هدررفت ارزی می‌شود.

متأسفانه در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ که بازار ارز چندین بار با تلاطم‌های ارزی مواجه شد، بانک مرکزی به توصیه‌های بالا بی‌توجه بود و تمام تلاش خود را معطوف به کنترل بازار اسکناس تهران کرد که سبب کاهش اثربخشی سیاست‌های مداخله‌ای بانک مرکزی گردید.

پس از شکست طرح تک نرخ کردن قیمت ارز در فروردین‌ماه سال ۱۳۹۷، از مردادماه همان سال مقرر شد که ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی برای واردات ۲۵ قلم از کالاهای اساسی تخصیص داده شود. ولی این سیاست هم نقاط ضعفی داشت که سبب ناکامی آن در کنترل قیمت کالاهای اساسی شد. یکی از نقاط ضعف این سیاست، عدم توجه سیاست‌گذار به اقتضانات بازار واردات کالاهای مختلف و تنظیم سیاست ارزی متناسب بوده است، نمی‌توان برای همه اقلام کالاهای اساسی سیاست‌گذاری ارزی یکسانی انجام داد. چون فرایند واردات کالاهای مختلف یکسان نیست، مبادی واردات، نوع نظام تسویه، نیاز به حواله ارزی، شکل بازار فروش کالا و... سبب تمایز کالاها می‌شود. اگر سیاست تخصیص ارز ترجیحی ۴۲۰۰ برای واردات به هر دلیلی باید اجرا می‌شد، راه بهتر گروه‌بندی کالاهای وارداتی با شرایط مشابه بود تا بتوان برای هر طبقه متناسب با ویژگی بازار آن کالا سیاست ارزی مناسب را در نظر گرفت نه اینکه برای واردات همه کالاها ارز ۴۲۰۰ تخصیص داده می‌شود. باتوجه به تورم کالاهای اساسی، سیاست‌های تخصیص ارز ترجیحی برای واردات برخی کالاهای اساسی ناکارآمد بوده است.^۱ تعداد گردش‌های بالای یک کالا در میان چند شرکت سبب شده است تا دولت در نظارت به فرایند توزیع کالاهای اساسی با نرخ‌های مصوب ناتوان باشند. سیاست تخصیص ارز ترجیحی برای واردات فقط باید برای گروه‌هایی از کالاها مورد استفاده قرار گیرد که دولت مطمئن باشد می‌تواند همه حلقه‌های گردش کالا را مورد نظارت قرار دهد. سیاست مفید در این زمینه عدم تخصیص ارز ترجیحی و اعطای مابه‌التفاوت قیمت کالاها به اقشار آسیب‌پذیر و دهک‌های پایین درآمدی به‌صورت یارانه نقدی است که در این سال‌ها بدان بی‌توجهی شده است

۱. بررسی آمار تورم از اسفند ۱۳۹۶ تا بهمن ۱۳۹۷ نشان می‌دهد؛ اختصاص ارز ترجیحی به واردات کالاهای اساسی، توانسته رشد ۵۳ درصدی در مقابل رشد ۸۵ درصدی برای این کالاها را به همراه داشته باشد که این دستاورد با اختصاص بیش از ۱۴ میلیارد دلار (در شرایطی که کشور در محدودیت منابع ارزی به‌سر می‌برد) برای واردات مجموع کالاهای اساسی حاصل شده است.

۴-۶. فقدان برخی ابزارها یا ضعف‌های موجود در ابزارهای مورداستفاده در نظام ارزی ایران

هر سیاست ارزی نیاز به استفاده از ابزارهای مناسب برای اجرایی‌سازی دارد. متأسفانه فقدان یا ضعف برخی ابزارهای معمول مدیریت بازار ارز، سبب کاهش توان مداخله‌ای بانک مرکزی در مدیریت انتظاراتها و کنترل روندهای افزایشی نرخ ارز شده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره داشت؛

- بازار آتی ارز ابزاری برای پوشش ریسک نرخ ارز برای فعالان اقتصادی است که ضمن کاهش ناطمینانی در بازار، سبب افزایش توان مدیریت بانک مرکزی در کنترل هیجان‌های ارزی و انتظاراتهای افزایشی نرخ ارز از طریق مداخله‌های ریالی در بازار ارز و اخذ موقعیت‌های معکوس می‌گردد.
- باید به منظور افزایش شفافیت معاملات ارزی و تعیین تعادلی نرخ ارز، بورس ارز در یک کشور وجود داشته باشد که وجود آن می‌تواند اطلاعات دقیقی از شرایط بازار در اختیار بانک مرکزی قرار داده و این نهاد بتواند با مداخله‌های ریالی شدت اثرگذاری فعالیت‌های سفته‌بازانه ارزی بر بخش حقیقی اقتصاد را کاهش دهد. مزیت عمده این بورس، عرضه گواهی‌ها و اوراق به‌جای اسکناس ارز خواهد بود و در صورت مشارکت مردم، بخشی از تقاضای سفته‌بازی ارز از طریق ابزارهای مالی پاسخ داده شده که سبب کاهش چشمگیری در تقاضای اسکناس ارز خواهد شد و مشکل تأمین اسکناس بانک مرکزی هم برطرف می‌شود.
- نظام ارزی ایران به وجود سیستم‌های اطلاعاتی فراگیری نیاز دارد تا ضمن ایجاد هماهنگی میان سیاست‌های مختلف، نوعی ضمانت اجرایی قوی نیز در اثر امکان کنترل دقیق فعالیت‌های بازیگران ارزی فراهم آورد. فقدان سیستم‌های اطلاعاتی به منظور نظارت بر فعالیت‌های ارزی بانک‌های تجاری و شبکه صرافان سبب کاهش توان نظارتی بانک مرکزی و فقدان سامانه‌های جامع اطلاعاتی ارزی میان دستگاه‌های مختلف موثر بر بازار ارز، سبب کاهش کارایی سیاست‌های اجرایی، صدور بخشنامه‌های متضاد و ایجاد سردرگمی فعالان اقتصادی شده است.
- در شرایط تحریمی علی‌رغم ضرورت استفاده از روش‌های نوین تسویه تجاری مانند پیمان‌های پولی دوجانبه از این نوع ابزارها استفاده نمی‌شود. پیمان پولی دوجانبه میان ایران و یک کشور دیگر می‌تواند با قطع وابستگی به استفاده از ارزهای جهان‌روا و امکان اجرای توافق‌های تجاری دوطرفه بر بستر این پیمان،

- زمینه افزایش صادرات و رفع نیازهای وارداتی کشور با استفاده حداقلی از ذخایر ارزی را فراهم می‌آورد. استفاده از پیمان پولی می‌تواند مشکل اساسی عدم تودیع ارز صادراتی توسط صادرکنندگان به شبکه بانکی و ارزی کشور را برطرف نماید.
- فقدان ابزارهای سرمایه‌گذاری ارزی از جمله دیگر اشکال‌های وارد بر کیفیت سیاست‌گذاری ارزی در کشور است. دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بر مبنای درآمدهای ارزی آتی، اوراق ارزی منتشر و در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهد. این کار می‌تواند به تأمین برخی نیازهای مالی دولت در شرایط کاهش قیمت یا میزان فروش نفت و سایر منابع طبیعی کمک کرده و تقاضای سرمایه‌گذاران به منظور پوشش ریسک کاهش ارزش ریال را برطرف کند که این تقاضا وارد بازار اسکناس نشود ولی تا به حال از این نوع ابزارها استفاده نشده است.
 - یکی دیگر از ابزارهای کاهش‌دهنده نیاز کشور به استفاده از منابع ارزی با کیفیت و افزایش درآمدهای ارزی استفاده از سوآپ نفتی کالایی است. بدین صورت که برخی از کالاهایی که ارزش بالایی را در نقشه تجاری ایران ایجاد می‌کنند مانند نفت، میعان‌های گازی، مواد پتروشیمی و محصولات فلزی و معدنی در قبال واردات کالاهای اساسی، نهاده‌های تولید و تجهیزات صنعتی مورد تهاتر قرار گیرند، ولی به این ابزار نیز بی‌توجهی صورت گرفته است.
 - یکی از نقصان‌های جدی نهادی و مدیریتی در نظام ارزی مربوط به فقدان بستر و ابزارهای ارتباطی مناسب میان فعالان اقتصادی و نهاد بانک مرکزی و شخص رئیس کل بانک مرکزی است. در فرایند ارتباطی که به منظور اعلام سیاست‌های پولی و ارزی انجام می‌پذیرد نیز از روش‌های صحیح ارتباطی استفاده نمی‌شود. عدم استفاده از روش‌ها و ابزارهای مناسب گاهی سبب ارائه اطلاعات متناقض به بازار و ایجاد تشویش در انتظارات خواهد شد که خود را به شکل افزایش تقاضای ارزی ظاهر می‌کند؛ برای مثال، رؤسای بانک مرکزی همواره تمایل داشته‌اند که مصاحبه‌های متعددی انجام دهند و کمتر به انتشار متون مکتوب به منظور ارائه تصویر صحیح از شرایط پولی و ارزی کشور می‌پردازند. همچنین مسئولان بانک مرکزی به ندرت از شبکه‌های اجتماعی به منظور ارتباط مستقیم با فعالان اقتصادی استفاده می‌کنند. اعلام وعده‌های فراوان ارزی و عدم توفیق در برآوردن تعهدهای قبلی سبب بروز بی‌اعتمادی به این نهاد شده است در حالی که بانک مرکزی باید تنها در مواقع ضرورت سیاست‌ها را به اطلاع عموم رسانده و فقط تعهدهایی را بپذیرد که در کوتاه‌مدت و میان‌مدت بانک مرکزی توانایی انجام آنها

را دارد.

۵-۶. انفعال سیاست‌گذار ارزی نسبت به مدیریت پویای بازار ارز

مطالب بیان شده در قسمت قبل عمدتاً به بررسی آسیب‌های ارزی ناشی از فقدان یا ضعف سیاست‌ها و ابزارهای موجود در نظام ارزی ایران و آثار ساختار بازار بر ناکارایی سازوکارهای مدیریت ارزی می‌پردازد، ولی این قسمت در دو بخش به بررسی نقش بی‌توجهی و انفعال و عدم جدیت بانک مرکزی در برخورد با شوک‌های ارزی می‌پردازد. در بخش اول به آسیب‌هایی که از بی‌توجهی سیاست‌گذار متوجه نظام ارزی کشور است و عمدتاً مفهومی ذهنی و تحلیلی است پرداخته می‌شود و در بخش دوم انفعال و عدم جدیت سیاست‌گذار که مفهومی فنی و عملیاتی است مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

• طی سالیان گذشته، عدم توجه سیاست‌گذار به پیامد تصمیمات اشتباه قبلی یکی از دلایل تکرار تصمیمات نادرست و کاهش کارایی سیاست‌های اعمالی ارزی بوده است. برخی از مهم‌ترین تصمیمات ارزی که بانک مرکزی به منظور مدیریت بازار ارز در بحران ارزی سال ۱۳۹۷ اتخاذ کرد و پس از چند ماه یکی از نمودهای آثار آنها، افزایش شدید قیمت ارز بود^۱، در بحران ارزی سال ۱۳۹۱ نیز در نظر گرفته شده بودند که تصمیم‌هایی مانند؛ تک‌نرخ کردن ارز ۴۲۰۰ و اختصاص آن برای واردات همه کالاها، سیاست افزایش نرخ سود بانکی و پیش‌فروش سکه که به منظور مهار تقاضای سفته‌بازانه اتخاذ شده بود، از آن جمله‌اند که در این میان، بی‌توجهی به نظرهای کارشناسی سبب تکرار تصمیم‌های اشتباه گذشته و عدم انتخاب راه‌حل‌های پایدار سیاست‌گذاری شده است. یکی دیگر از علل عدم توانمندی سیاست‌گذار در کنترل و مدیریت بهینه بازار ارز بی‌توجهی به درجه اهمیت و اثرگذاری هریک از تصمیم‌ها بوده است؛ مثلاً در بحران ارزی سال ۱۳۹۷، عمده اقدام‌های انجام‌شده ناظر به مدیریت بازار ارز در داخل کشور بوده است و در رابطه با تغییر اکوسیستم ارزی کشور، در جهت تسهیل نقل و انتقال ارزی اقدامی صورت نگرفت، حال آنکه یکی از مهم‌ترین عوامل تشدیدکننده افزایش نرخ ارز، محدودیت‌های جدید در دسترسی به منابع ارزی بین‌المللی و نقل و انتقال وجوه بوده است. مضاف بر این، تلاش‌هایی برای تضعیف صرافی‌ها و انتقال عملیات ارزی

۱. قیمت دلار آمریکا از فروردین تا شهریورماه سال ۱۳۹۷ از قیمت ۵۱۰۰ تومان به ۱۸۶۰۰ تومان افزایش یافت.

از صرافی‌ها به شبکه بانکی نیز صورت گرفت که در آن زمان بسیار مضر بود. در بحران ارزی سال ۱۳۹۷ نیز از برخی راهکارهای ناکارآمد قدیمی استفاده شده است؛ مثلاً با اتکا به اینکه در گذشته یک سیاست مانند تأمین ارز مسافری چندان فشاری را بر منابع ارزی ایجاد نکرده است، این سیاست را احیا کرده و به مسافران بسته به اینکه به کدام کشور سفر کنند، بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ یورو ارز مسافرتی اعطا می‌شد، این کار در دهه ۶۰ مشکل‌چندانی برای بانک مرکزی ایجاد نمی‌کرد چون تعداد افرادی که دسترسی به ویزا و پاسپورت داشتند بسیار اندک بود، ولی در سال‌های اخیر که بسیاری از مردم دارای پاسپورت هستند و تمایل به سفر خارجی هم وجود دارد، نتیجه این سیاست ایجاد صفوف طولانی برای دریافت ارز مسافرتی بود.

• عدم واکنش فعالانه در برابر اتفاق‌ها و تغییرهای ارزی سبب بروز آسیب‌های زیادی در نظام ارزی شده است. مهم‌ترین پیش‌شرط برای واکنش سریع و فعالانه مقامات پولی نسبت به بحران ارزی، استقلال بانک مرکزی از سایر دستگاه‌های اجرایی و سیاستی است، اگر بانک مرکزی برای هر واکنش در چهارچوب قوانین پولی و بانکی مجبور به کسب رضایت سایر نهادها و به‌خصوص سازمان‌های دولتی باشد؛ اولاً، این پیام به فعالان اقتصادی مخابره خواهد شد که نهاد سیاست‌گذار توان مداخله جدی ندارد و ثانیاً، در بسیاری از مواقع پیش‌شرط موفقیت در سیاست‌ها انجام آنها در مناسب‌ترین زمان است و امکان دارد، پس از کسب رضایت همه ذی‌نفعان یک سیاست، اجرای آن تصمیم نتواند اهداف موردنظر را محقق کند. باید اشاره داشت؛ به علت اینکه بخش بزرگی از تغییرهای زمین بازی ارز به خارج از کشور وابسته است، امکان استفاده از قوانین یکسان وجود ندارد و بانک مرکزی پیوسته باید قوانین را تعدیل کند که در مواقعی، سرعت کند بانک مرکزی در مواجهه و واکنش به تغییرها سبب بروز مشکلات و افزایش نرخ ارز شده است. بانک مرکزی هیچ عملی برای تغییر پویای نقشه تجاری کشور با همکاری سایر نهادهای حاکمیتی انجام نداده است، تغییر در نقشه تجاری متناسب با وضعیت ارزی کشور می‌تواند ضمن ایجاد اطمینان از تخصیص بهینه همه منابع ارزی به ضروری‌ترین نیازها، نوعی اطمینان‌بخشی به فعالان بازار هم داشته باشد و سبب ایجاد آرامش روانی در بازار ارز گردد.

از دیگر نمونه‌های انفعال سیاست‌گذار ارزی در مدیریت بازار ارز می‌توان به

موارد زیر اشاره داشت:

- واکنش منفعلانه بانک مرکزی و وزارت صمت در برابر اقدام‌های غیرقانونی صادرکنندگان؛
- عدم استفاده بانک مرکزی از فرصت ماه‌های اسفند ۱۳۹۶ و فروردین ۱۳۹۷ در تنظیم بازار حواله؛
- واکنش منفعلانه بانک مرکزی در بازگشایی کانال‌های جدید ارزی و مدیریت انتظارها؛
- عدم دقت کافی در سرمایه‌گذاری منابع ارزی کشور؛
- بی‌توجهی بانک مرکزی به اهمیت تغییر در اکوسیستم ارزی کشور؛
- عدم فعال‌سازی بازار بین‌بانکی ارز.

نتیجه‌گیری

طی چهار دهه گذشته، اقتصاد ایران چهار بحران ارزی را تجربه کرده است که بحران ارزی سال ۱۳۹۷ آخرین آنها بوده است. بررسی علل وقوع بحران ارزی نشان می‌دهد که عوامل داخلی و عوامل خارجی توأمان بر وقوع آن موثرند. بررسی سیاست‌های مدیریت ارزی بانک مرکزی نشان می‌دهد که سیاست‌های این نهاد قادر به کنترل آثار وقوع بحران ارزی بر کلیت اقتصاد ایران نبوده است. در مطالعه حاضر با آسیب‌شناسی سازوکارهای مدیریت بازار ارز، به نقش بانک مرکزی در مدیریت بحران‌های ارزی پرداخته شده است. در این پژوهش با روش مصاحبه با خبرگان ارزی کشور و مطالعه کتب، مقاله‌ها، گزارش‌ها و تارنماهای معتبر، اطلاعات مربوط به آسیب‌های وارده بر سازوکارهای مدیریت بازار ارز استخراج و ذیل ۵ مضمون سازمان‌دهنده، کدگذاری و طبقه‌بندی شدند و با استفاده از روش تحلیل مضمون، تحلیل شدند. این مطالعه نشان می‌دهد مشکلات و آسیب‌های ناشی از ساختار بازار ارز، پیامدها و آثار رویه‌های سیاست‌گذاری، فقدان یا ضعف برخی از سیاست‌های ضروری مدیریت بازار ارز، فقدان برخی ابزارها یا ضعف‌های موجود در ابزارهای مورد استفاده در نظام ارزی و عدم استقلال و انفعال سیاست‌گذار ارزی نسبت به مدیریت پویای ارزی سبب ناکارایی سیاست‌های مدیریت بازار ارز شده‌اند. این پژوهش راهکارهای زیر را در کاراسازی سیاست‌های ارزی کشور که عمده‌تاً توسط نهاد بانک مرکزی نیز اعمال خواهند شد، پیشنهاد می‌کند. لازم به ذکر است راهکارها به ترتیب اولویت ذکر شده‌اند و راهکارهای ناظر بر ساختار بازار ارز و راهکارهای ناظر به رویه‌های سیاست‌گذاری و ضعف برخی از سیاست‌های ضروری مدیریت بازار ارز

نسبت به دیگر راهکارها از اهمیت بالاتری برخوردارند.

راهکارهای ارتقای کارایی سیاست‌های مدیریت ارزی کشور			
ردیف	راهکار	بازه زمانی	نهادهای مجری
راهکارهای ناظر به ساختار بازار ارز			
۱	بانک مرکزی باید نوعی تمرکززدایی از امارات به‌عنوان اصلی‌ترین محل منابع و مصارف ارزی کشور را در دستور کار قرار داده و بخشی از وظایف پایتخت ارزی ایران را به کشورهای مانند عراق، افغانستان و عمان که به دلایل فنی و سیاسی بهتر می‌توانند نقش پایتخت ارزی را ایفا کنند، منتقل کند.	بلندمدت	بانک مرکزی
۲	باید تمامی سامانه‌های ارزی همچون سامانه نیما، سامانه سنا، رویترز، سامانه سیب و سایر در یک سامانه جامع ادغام شوند تا بانک مرکزی بتواند در یک سامانه، نظارت‌های جامع و همه‌جانبه‌ای را بر منابع و مصارف ارزی کشور داشته باشد.	کوتاه‌مدت	بانک مرکزی
۳	اگرچه بازار متشکل ارز ایران از سال ۱۳۹۸ آغاز به‌کار کرده است و هم‌اکنون معامله‌های اسکناس ارز میان بانک‌های تجاری، صرافان بانکی و صرافان تضامنی در بستر این بازار انجام می‌شود، ولی این بازار که ایده تشکیل آن از بورس ارز الهام گرفته است، علی‌رغم تمامی ظرفیت‌های بالقوه در سامان‌دهی به بازار غیررسمی ارز کشور در روند توسعه خود با چالش‌هایی مواجه است. ضروری است تا بانک مرکزی نسبت به توسعه این بازار به‌عنوان تنها مرجع رسمی کشف نرخ و معامله‌های ارزی کشور، برنامه جامعی را تدوین و اجرایی کند.	میان‌مدت	بانک مرکزی
۴	در شرایط فعلی، امکان تسویه مبادله‌های مالی وجود ندارد. به‌همین منظور ایجاد بانک تسویه می‌تواند نقش اساسی را در توسعه نظام مالی کشور داشته باشد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌گردد تا نهادهایی مانند بانک مرکزی و وزارت اقتصاد، بازار متشکل ارز ایران را که تنها بازار رسمی مبادله‌های ارزی کشور است، به‌عنوان نهاد تسویه ایران به‌رسمیت شناخته و زیرساخت‌های قانونی، نهادی و فنی لازم برای انعقاد قرارداد این نهاد با سایر بانک‌های تسویه بین‌المللی و ایفای نقش بانک تسویه را فراهم آورند.	بلندمدت	بانک مرکزی وزارت اقتصاد

راهکارهای ناظر به رویه‌های سیاست‌گذاری و ضعف برخی از سیاست‌های ضروری مدیریت بازار ارز		
بانک مرکزی سازمان برنامه و بودجه و وزارت اقتصاد	بلندمدت	۵ باید طی فرایندی میان‌مدت ورود ارز حاصل از صادرات نفت و سایر منابع طبیعی به بودجه دولت حذف‌شده و بودجه ارزی و ریالی از هم تفکیک گردد. منابع حاصل از فروش نفت را می‌توان یا به‌مانند کشورهای چون نروژ، عربستان، امارت و کویت در صندوق‌های ثروت ملی سرمایه‌گذاری کرد یا اینکه آن را به‌صورت ارزی صرف توسعه زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های عمرانی کرد. عدم ورود دلار نفتی به بودجه اولین گام در راستای تضعیف برتری سیاست‌های مالی بر سیاست‌های پولی و حذف سیاست تثبیت نرخ ارز است.
بانک مرکزی	کوتاه‌مدت	۶ باید برنامه‌ای مشخص و با زمان‌بندی معلوم به‌منظور تعدیل نرخ ارز به‌صورت ماهیانه و فصلی متناسب با تغییرهای سایر متغیرهای اقتصادی مانند نرخ تورم فراهم گردد. این سیاست از انباشت عدم تعادل‌های کلان در نرخ ارز و زمینه‌سازی برای جهش‌های ارزی جلوگیری می‌کند.
بانک مرکزی وزارت اقتصاد	میان‌مدت و بلندمدت	۷ در شرایط فعلی ناترازی موجود در نظام بانکی سبب خلق نقدینگی نامتناسب با سایر متغیرهای کلان اقتصادی و نیاز بخش حقیقی اقتصاد شده است، کسری بودجه دولت نیز عمدتاً از یکی از محل‌های استقراض از شبکه بانکی و یا برداشت از صندوق توسعه ملی انجام می‌شود که تورم‌زاست و افزایش نرخ تورم همواره بیشترین فشار را بر کاهش ارزش پول ملی داشته است. باید به‌منظور کاهش پایدار تورم، نخست برنامه‌ای میان‌مدت برای رفع ناترازی موجود در نظام بانکی، کنترل میزان رشد ترازنامه شبکه بانکی و بهبود کیفیت دارایی‌های آن ^۱ و پایدارسازی کسری بودجه دولت ایجاد کرد. پس از انجام این شروط زمینه برای سیاست‌گذاری پولی مستقل و هدف‌گذاری تورمی فراهم خواهد شد که بانک مرکزی بتواند با استفاده از ابزارهای سیاست پولی مانند عملیات بازار باز نرخ رشد تورم را

۱. در نظام بانکی برخی از کشورهای جهان، نهادهایی وجود دارند که به خرید و تملیک دارایی‌های منجمد نظام بانکی پرداخته و سپس آن دارایی‌ها در یک فرایند جداگانه به اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر واگذار می‌کنند. به نظر تأسیس این نوع نهادها بتواند در شرایط فعلی که تعداد قابل‌توجهی از بانک‌های کشور از کیفیت پایین دارایی‌های خود رنج می‌برند، راهکاری را برای حل این مشکلات ایجاد کند.

		کنترل کند.
بانک مرکزی وزارت صمت وزارت اقتصاد	میان‌مدت	۸ در شرایط فعلی که استفاده از سیاست پیمان‌سپاری ارزی ضروری است. بانک مرکزی باید نهایت تلاش خود را برای بهبود این سیاست و افزایش میزان بازگشت ارز به کشور صورت دهد. ^۱ بدین‌منظور باید هماهنگی‌هایی با گمرک انجام شود تا رویه واحدی برای قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی وجود داشته باشد تا از بیش‌اظهاری ارزش صادرات کشور و ایجاد تعهدات بی‌اساس برای شرکت‌های تجاری جلوگیری شود. باید صادرات انواع کالاها و خدمات به کشورهای مختلف براساس، نوع کالا، مقصد صادراتی، بازار فروش و نوع نظام تسویه ذیل گروه‌هایی طبقه‌بندی شده و سیاست پیمان‌سپاری ارزی متناسب با ویژگی‌های هر گروه کالایی، مجدداً بازبینی شود. در این میان تدوین سازوکارهای راستی‌آزمایی ادعاهای شرکت‌های تولیدی، تجاری و بازرگانی یکی از اولویت‌های مهم نهادهایی مانند وزارت اقتصاد و بانک مرکزی خواهد بود. همچنین تلاش بانک مرکزی به‌منظور کاهش پایدار نرخ ارز سامانه نیما و بازار آزاد به حداقل ممکن می‌تواند انگیزه شرکت‌ها نسبت به عرضه ارز صادراتی را افزایش دهد.
بانک مرکزی وزارت اقتصاد	میان‌مدت بلندمدت	۹ بانک مرکزی باید با همکاری سازمان امور مالیاتی و شبکه بانکی، سامانه جامع رصد تراکنش‌های ریالی را راه‌اندازی کرده و در برنامه‌ای بلندمدت زمینه اخذ مالیات از معامله‌های افراد حقیقی و حقوقی در بازار ارز و طلا را فراهم آورد. این رویه در کنار معرفی ابزارهای سرمایه‌گذاری ارزپایه سبب کاهش و یا تغییر نوع تقاضای سفته‌بازی در کشور خواهد شد. در ارتباط با این راهکار؛ جداسازی حساب‌های شخصی از حساب‌های تجاری و تدوین سازوکارهای حصول اطمینان کامل از اجرای این نوع قوانین از اولویت‌های اصلی است.
بانک مرکزی و	میان‌مدت	۱۰ متأسفانه در سال‌های اخیر مناطق آزاد به علت سهولت

۱. در این ارتباط یکی از مواردی که می‌تواند ضمن تقویت سطح ذخایر ارزی بانک مرکزی سبب افزایش ایفای تعهدات تجار گردد، پیمان‌سپاری تعهدهای تجاری یا طلا خواهد بود. در این زمینه لازم است، بانک مرکزی موافقت سایر نهادهای مالی را جلب و ضوابط تودیع بخشی از تعهدهای ارزی شرکت‌های تولیدی و تجاری را با طلا تدوین و ابلاغ کند.

<p>سازمان مناطق آزاد</p>		<p>فعالیت‌های تجاری به مبادی اصلی واردات کالای قاچاق و یا واردات بی‌رویه محصولات مصرفی تبدیل شده‌اند که این امر سبب افزایش فشار تقاضای ارزی شده است. به‌منظور سامان‌دهی مناطق آزاد و توسعه صادرات در این مناطق باید سیاست‌هایی طراحی شود و سطح امتیازهایی که به مناطق آزاد تخصیص داده می‌شود مبتنی بر میزان صادرات هر منطقه تعیین شود؛ به‌عنوان مثال، چون زیربنای تولید در مناطق آزاد براساس واردات بدون تعرفه است، مناطق آزاد به‌اندازه صادراتی که داشته‌اند، بتوانند واردات انجام دهند و ارز لازم برای واردات فقط از محل صادرات کالاهایی که در این مناطق ساخته شده‌اند، تأمین شود.</p>
<p>راهکارهای ناظر به فقدان برخی ابزارها یا ضعف‌های موجود در ابزارهای مورد استفاده در نظام ارزی</p>		
<p>بانک مرکزی</p>	<p>میان‌مدت</p>	<p>۱۱ در صورت کاهش قابل ملاحظه تحریم‌های بین‌المللی؛ راه‌اندازی بازار آتی ارزهای خارجی، به‌منظور ایجاد ابزار پوشش ریسک نرخ ارز در اقتصاد، کنترل شوک‌های تقاضا و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند یکی از لوازم اصلی مداخله غیرمستقیم ارزی بانک مرکزی در بازار ارز باشد. البته در راه‌اندازی بازار آتی ارز به‌علت رصد منابع ارزی کشور در شرایط تحریمی، باید الزام‌های افشای اطلاعات مربوط به حواله‌های ارزی به‌گونه‌ای تنظیم گردد که امکان تحریم کانال‌های ارزی و بلوکه‌شدن منابع ارزی ایران در سایر کشورهای دنیا به حداقل کاهش یابد.</p>
<p>بانک مرکزی</p>	<p>میان‌مدت</p>	<p>۱۲ بانک مرکزی باید نسبت به ایجاد و توسعه ابزارهای سرمایه‌گذاری ارزی در نظام اقتصادی ایران اقدام کند که برخی آن‌ها عبارت‌اند از؛</p> <ul style="list-style-type: none"> • انتشار صکوک ارزی به پشتوانه درآمدهای قابل‌اتکای ارزی دولت و شرکت‌های بزرگ دولتی • ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالی ارزی با همکاری سازمان بورس و اوراق بهادار • ایجاد صندوق طرح برای طرح‌های ارزآور مانند تأسیس شرکت‌های پتروشیمی یا معدنی
<p>بانک مرکزی وزارت صمت</p>	<p>میان‌مدت</p>	<p>۱۳ استفاده از ابزارهای نوین تسویه مبادله‌های تجاری مانند پیمان‌های پولی دوجانبه میان ایران و یک کشور دیگر می‌تواند با قطع وابستگی به استفاده از ارزهای جهان روا و</p>

		<p>امکان اجرای توافق‌های تجاری دوطرفه بر بستر این پیمان، زمینه افزایش صادرات و رفع نیازهای وارداتی کشور با استفاده حداقلی از ذخایر ارزی را فراهم می‌آورد. استفاده از پیمان پولی می‌تواند مشکل اساسی عدم تودیع ارز صادراتی توسط صادرکنندگان به شبکه بانکی و ارزی کشور را برطرف نماید. همچنین سوآپ نفتی - کالایی می‌تواند به‌عنوان ابزار کاهش‌دهنده نیاز کشور به مبادله‌های ارزی ایفای نقش کند.</p>
<p>بانک مرکزی وزارت اقتصاد وزارت صمت</p>	<p>میان‌مدت</p>	<p>۱۴</p> <p>در شرایط فعلی بسترهای قانونی مناسبی برای مبادله‌های رمزارزها وجود ندارد، از طرفی استفاده از ظرفیت رمزارزها در فعالیت‌های تجاری، نقل‌وانتقالات مالی و پیمان‌سازی ارزی در شرایط تحریمی اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است. بدین‌منظور پیشنهاد می‌شود زیرساخت‌های قانونی استخراج، فعالیت و مبادلات رمزارزها سریعاً از سوی نهادهای ناظر تدوین شده و مجوز فعالیت کارگزاری‌های خرید و فروش ارزها سامان‌دهی شوند.</p>
<p>بانک مرکزی</p>	<p>کوتاه‌مدت</p>	<p>۱۵</p> <p>باید صحبت در ارتباط با نرخ ارز تنها به شخص رئیس کل بانک مرکزی محدود شده و سایر مسئولان دولتی از صحبت در ارتباط با تغییرها و یا چشم‌انداز نرخ ارز، پرهیز کنند. علاوه‌براین؛ بانک مرکزی باید خلأ ارتباطی خود و فعالان اقتصادی را برطرف کرده و برای ایجاد ارتباطی منطقی و قابل‌اعتماد از شیوه‌ها و ابزارهای نوین ارتباطی استفاده کند. بدین‌منظور باید مصاحبه‌های شخص رئیس کل بانک مرکزی به حداقل کاهش‌یافته و از انتشار بیانه‌های ماهیانه و فصلی در زمینه اطمینان‌دهی به بازار استفاده شود. در انتشار بیانه‌ها و ایجاد تعهدها، باید توانمندی بانک مرکزی در عمل به تعهدها مدنظر قرار گیرد.</p>
<p>راهکارهای ناظر به عدم استقلال و انفعال سیاست‌گذار ارزی</p>		
<p>بانک مرکزی قوه قضائیه</p>	<p>میان‌مدت</p>	<p>۱۶</p> <p>بانک مرکزی باید با همکاری قوه قضائیه، فرایندهای مناسبی را برای رسیدگی به تخلف‌های بازیگران ارزی تدوین کند، ایجاد سازوکارهای بازگشت سریع مطالبه‌های شبکه بانکی، تلاش برای ایجاد فرایندهای رسیدگی‌های خارج از نوبت قضایی به تخلف‌های ارزی و افزایش هماهنگی با قوه قضائیه به‌منظور وحدت رویه در</p>

		برخوردهای قضایی به هدف اطمینان‌دهی به فعالان قانونی بازار ارز می‌تواند نقش جدی در تسریع حل مشکلات ارزی داشته باشد.
بانک مرکزی	کوتاه‌مدت	۱۷ بانک مرکزی باید باتوجه به تجارب بحران‌های قبلی بسته ضد بحران را برای مقابله با آثار شوک‌های ارزی احتمالی، فراهم آورد. بالطبع در این بسته از اتخاذ سیاست‌های ناکارآمد قبلی مانند سیاست‌های پولی انقباضی و پیش‌فروش سکه طلا پرهیز خواهد شد. وجود این بسته نوعی اطمینان‌دهی قبلی به فعالان اقتصادی نسبت به وجود برنامه از پیش تعیین‌شده برای مدیریت بحران‌های ارزی آتی دارد. همچنین ضروری است در تدوین سیاست‌های بازار ارز از نظرهای خبرگان ارزی به‌خصوص صرافان که بیشتر در جریان تغییر دایم شرایط مبادله‌های ارزی قرار دارند استفاده حداکثری شود.

فهرست منابع

- باقری پرمهر، شعله و موسوی نیک، سیدهدادی (۱۳۹۱). بررسی نقش عوامل تعیین‌کننده نرخ ارز تعادلی و ریشه‌یابی تحولات اخیر بازار ارز در اقتصاد ایران. تهران: معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس.
- برخورداری، سجاد (۱۳۹۱). سه نظریه برای نظام ارزی کشورهای نفتی و نظام‌های ارزی. فصلنامه تازه‌های اقتصاد، (۱۳۶)، ۳۱-۳۶.
- بنی‌طبا، سیدمهدی و حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی (۱۳۹۷). تحلیلی بر وضعیت بازار ارز، بررسی اقدامات دولت و ارائه پیشنهاد تکمیلی. تهران: معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس.
- پورشهبابی، فرشید و حیدرپور، افشین (۱۳۹۴). ارائه مدلی برای سنجش بحران ارزی در اقتصاد ایران. تهران: معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس.
- حیدری، حسن و عریانی، بهاره (۱۳۹۲). تجربه بحران ارزی ترکیه در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۱ میلادی؛ درس‌هایی برای ایران. تهران: معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس.
- حیدری، حسن و عریانی، بهاره (۱۳۹۳). تجربه بحران ارزی کره جنوبی در دهه

- ۱۹۹۰؛ درس‌هایی برای ایران. تهران: معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس.
- حیدری، حسن و عزیزنژاد، صمد (۱۳۹۴). بررسی دلایل نوسانات ارزی در ایران (۱۳۹۲-۱۳۹۰)؛ با نگاهی به تجربه کشورهای منتخب. تهران: معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس.
- خیابانی، ناصر و غلج‌های، سمیرا (۱۳۹۳). نظام‌های ارزی و فشار بازار ارز در یک اقتصاد صادرکننده نفت (مورد ایران). فصلنامه پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، سال نوزدهم، (۳)، ۲۲-۳.
- عاطفی‌منش، رویا (۱۳۹۳). گستره نظام‌های ارزی میخکوب‌شده در جهان، بررسی منافع و مضار آن با تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت. فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال دوم، (۵)، ۲۳-۴۰.
- عاطفی‌منش، رویا (۱۳۹۴). نگاهی به طبقه‌بندی نظام‌های نرخ ارز در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی و توصیه‌هایی برای نظام ارزی ایران. فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال سوم، (۱۰)، ۳۲-۷.
- عبادی، جعفر و جهانگرد، هاجر (۱۳۹۱). الگوسازی مداخله ارزی در بازار ارز ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، ۴۷(۳)، ۲۳-۴۴.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، سال چهارم، (۲)، ۱۸۹-۲۰۸.
- کیائی، حسن (۱۳۹۴). تبیین ویژگی‌های ساختار نظام ارزی مقاوم در برابر تهدیدهای اقتصادی. آفاق/امنیت، (۲۹)، ۲۹-۴۶.
- گرشاسبی، علیرضا (۱۳۹۴). نقش مرکز مبادلات ارزی در مدیریت آثار تحریم در بخش واردات. بررسی‌های بازرگانی، (۷۰)، ۱-۱۴.
- مروت، حبیب و فریدزاد، علی (۱۳۹۴). نقش انتظارات در شکل‌گیری نوسانات نرخ ارز. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، (۶۴)، ۸۹-۱۱۵.
- مهرآرا، محسن (۱۳۸۵). برآورد نرخ ارز حقیقی تعادلی در اقتصاد ایران. پژوهشنامه اقتصادی، دوره ششم، (۲)، ۱۶۷-۲۰۸.

- Turkey. Technological Institute of Ionian Islands.
- Glick, R. & Hutchinson, M. (2011). *Currency crises*. Federal Reserve Bank of San Francisco Working Paper Series(techport). Working paper.
- International Monetary Fund (2008). *Annual Report on Exchange Arrangements and Exchange Restrictions*. October.
- King, N. & Horrocks, C. (2010). *Interviews in qualitative research*. Los Angeles: SAGE.
- Milesi-Ferretti, G. M. & Razin, A. (1998). *Current Account Reversals and Currency Crisis: Empirical Regularities*. IMF Working Paper.
- Nakornthab, D. (2009). Thailand's monetary policy since the 1997 crisis. *Kobe University Economic Review*, (55), 75-88.
- Paczynski, W. (2000). The Mexican Peso Crisis 1994-1995. The Episodes of Currency Crisis in Latin American and Asian Economies. *CASE Reports*, (39).
- Shi, J. (2000). The Black Market Premium and the Rate of Inflation in a Dual Exchange Rate Regime. *International Journal of Finance & Economics*, (5), 77-88.